

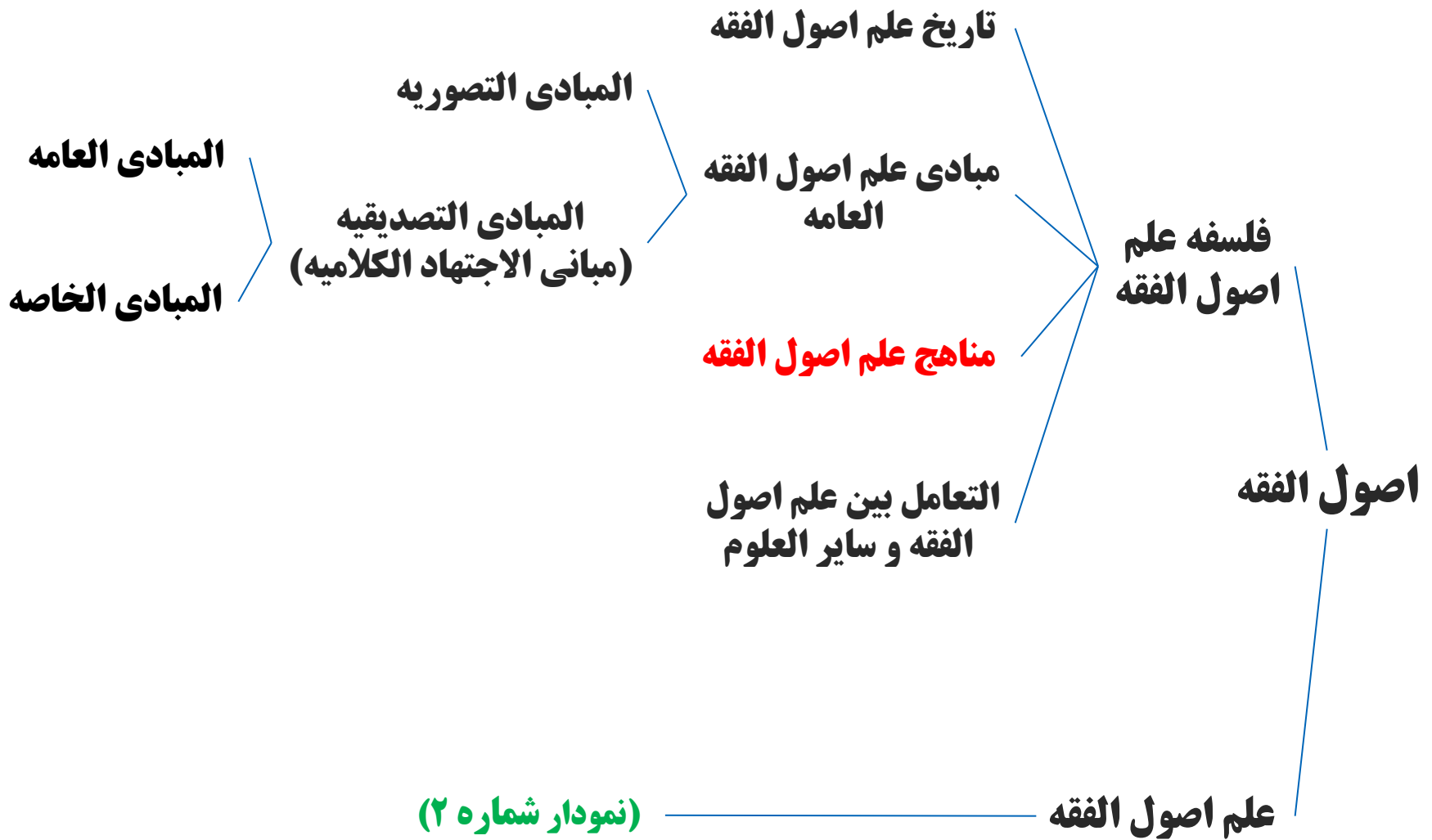
علم أصول الفقه

٦

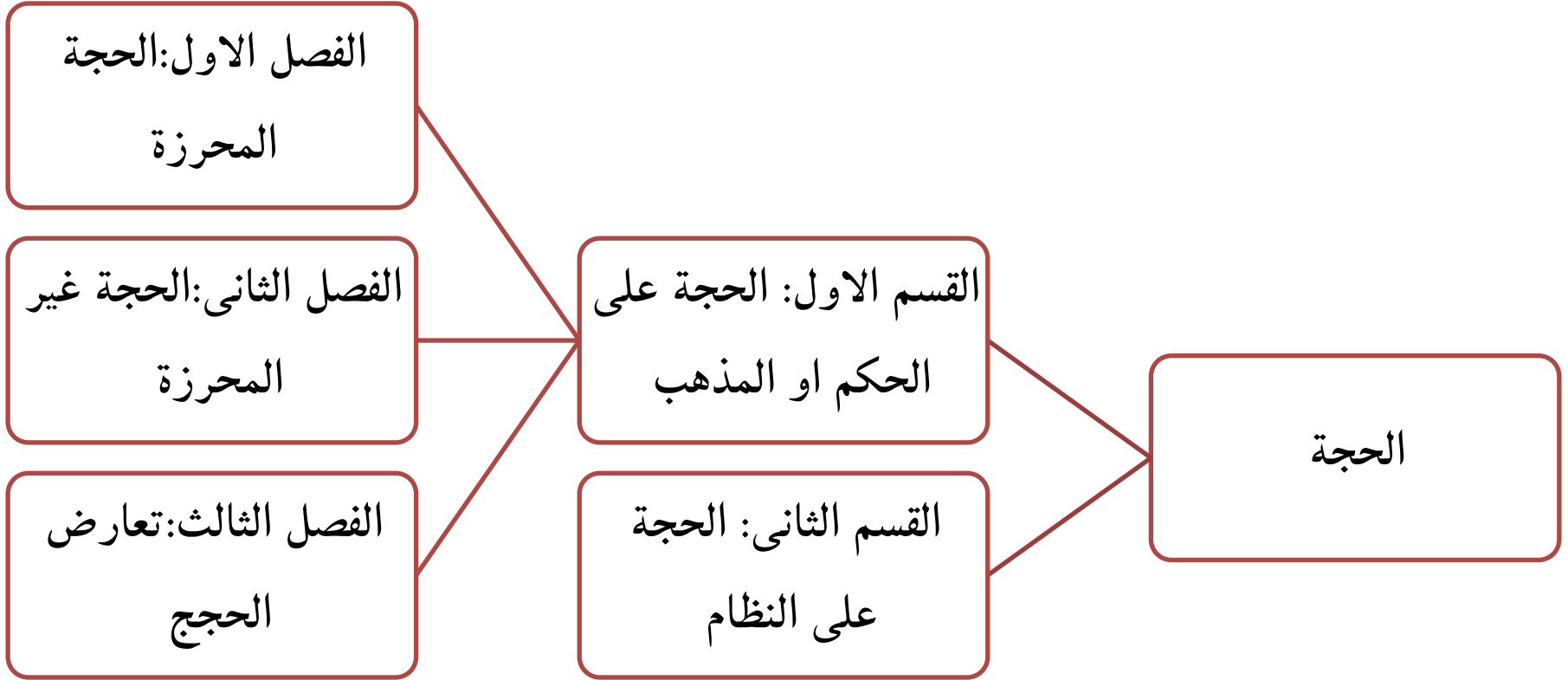
اوامر ٢٣-٦-٩٥

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

(نمودار شماره ۱)



علم اصول الفقه

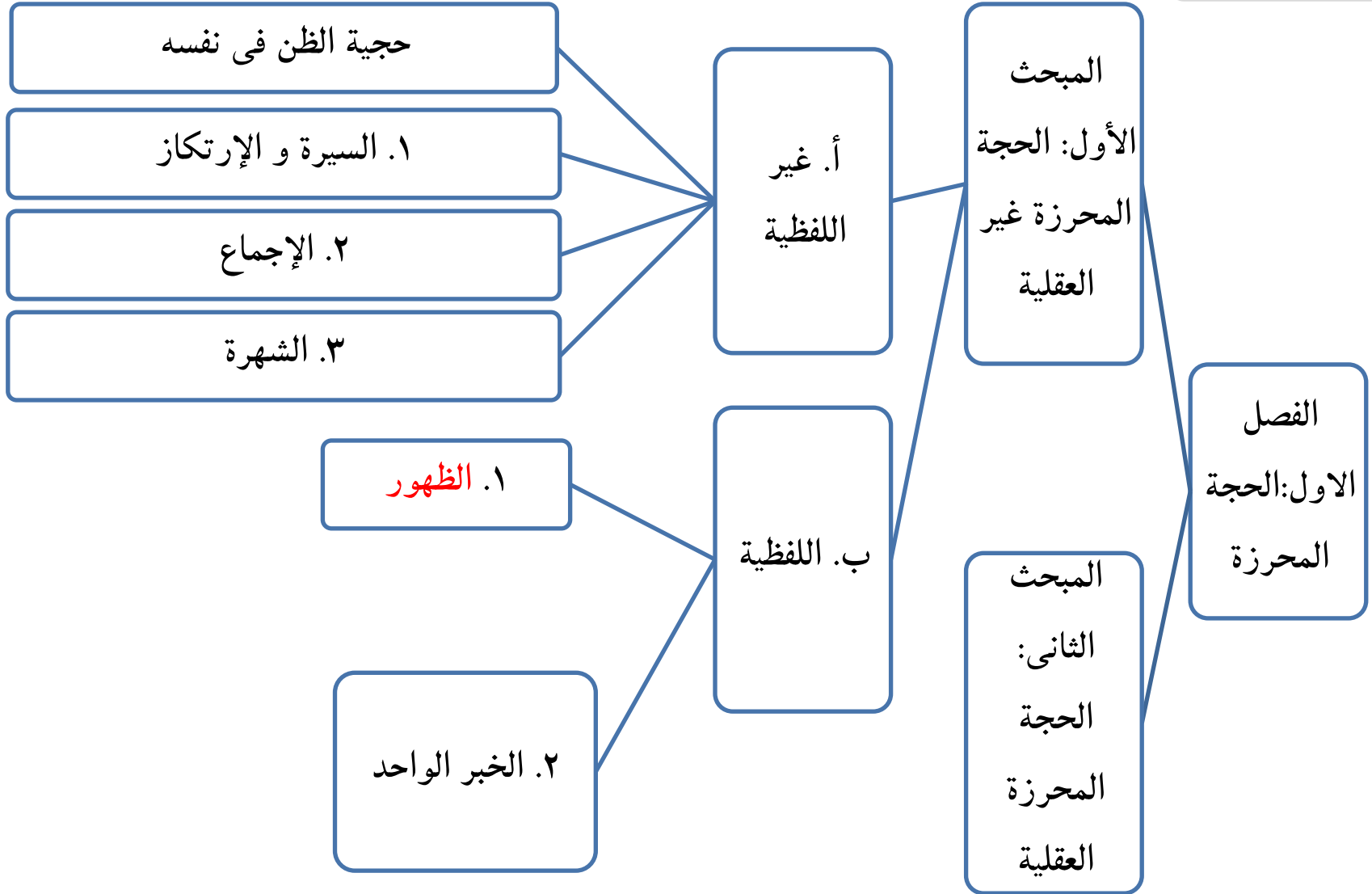


ترتيب اصول متعارف

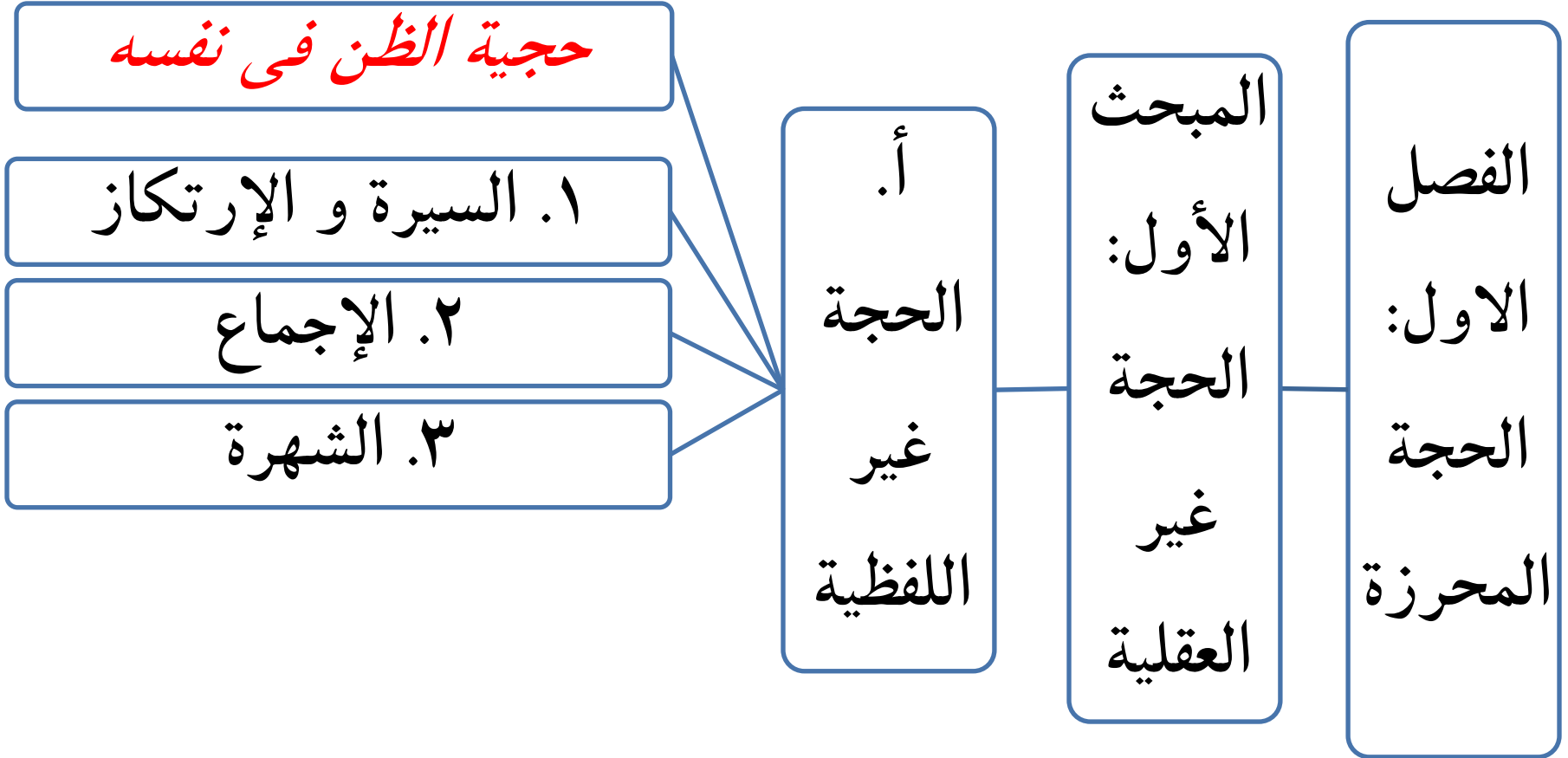


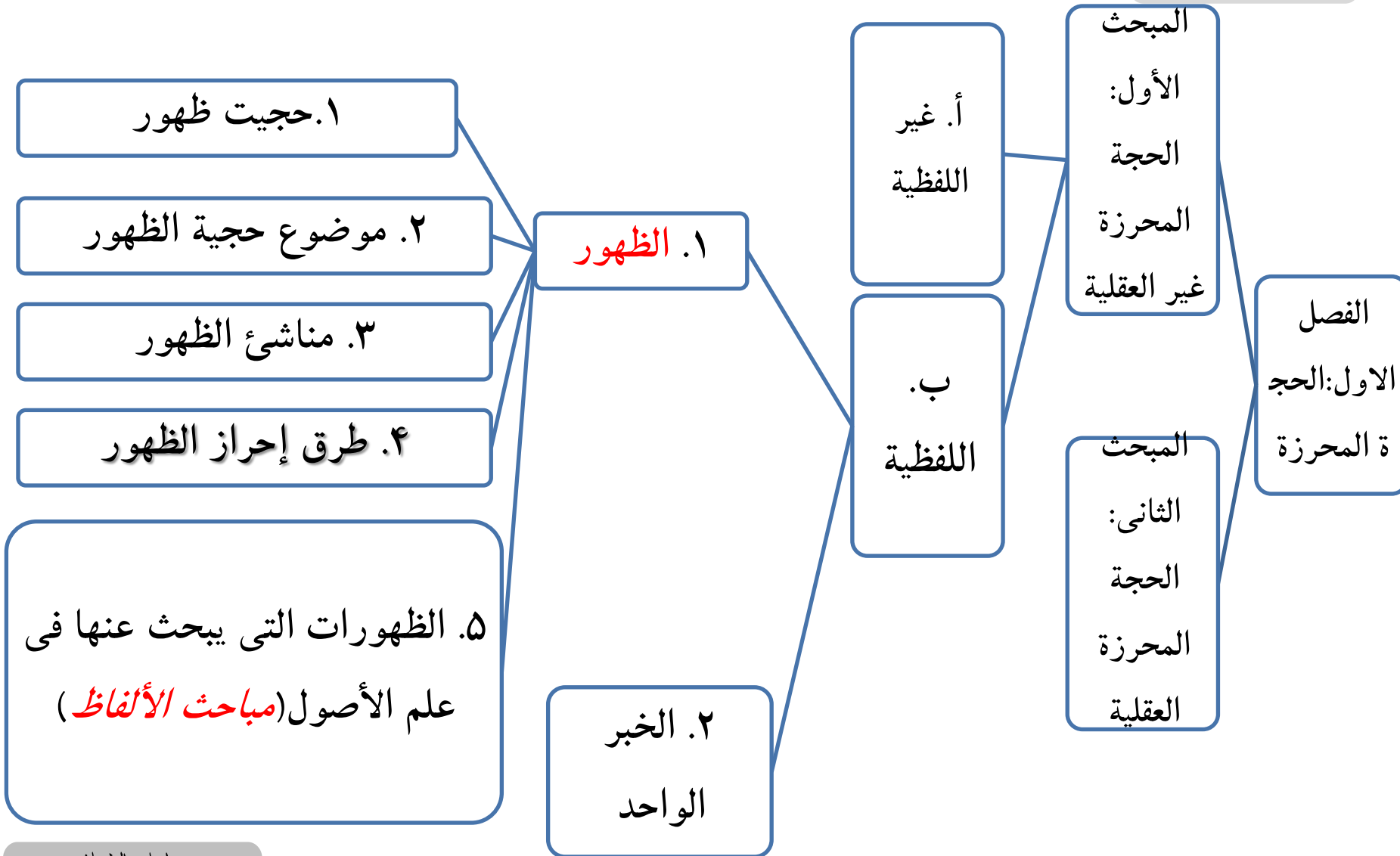
(الظهورات التي
يبحث عنها في
علم الأصول)

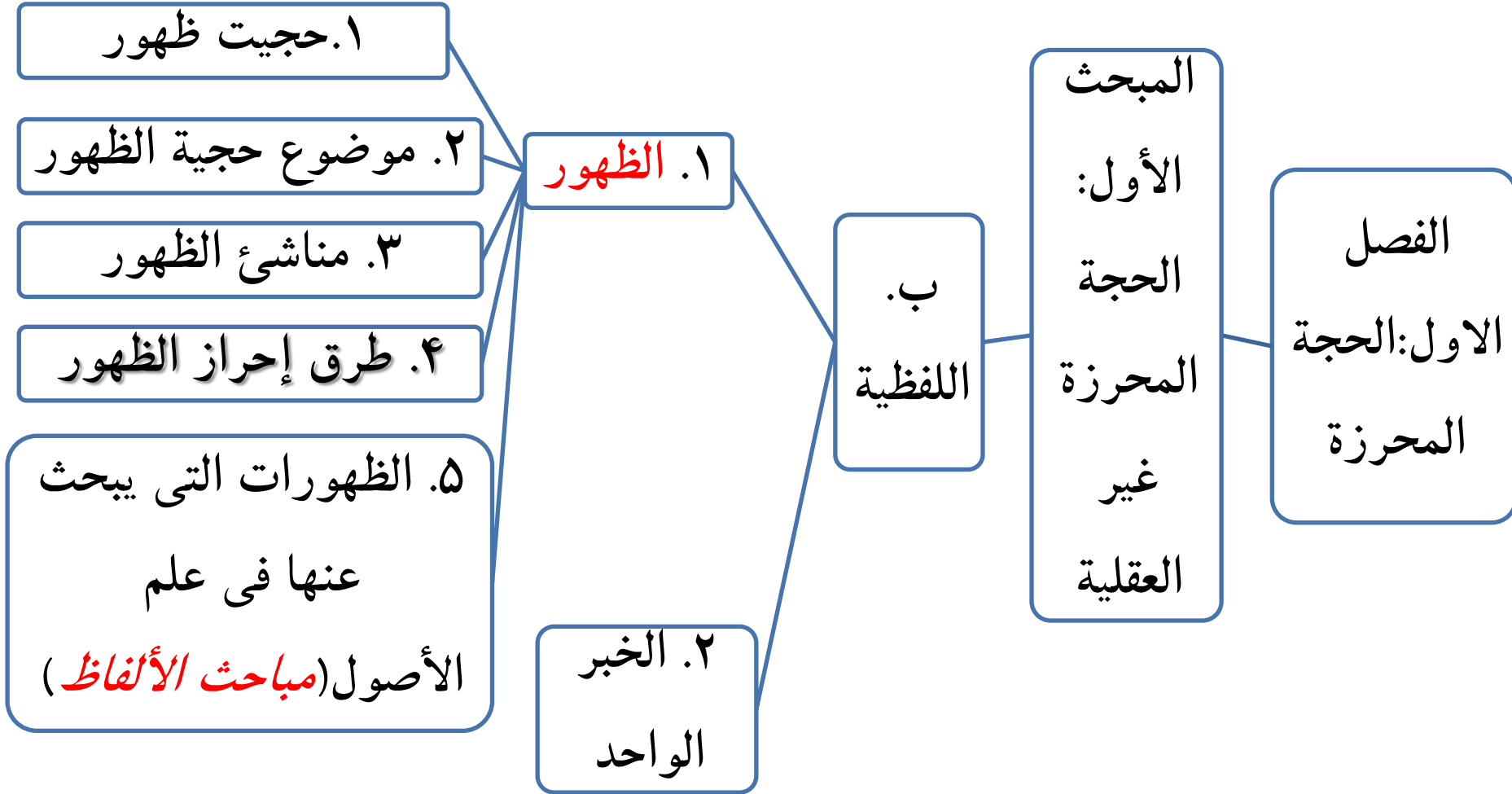
علم أصول الفقه



علم أصول الفقه







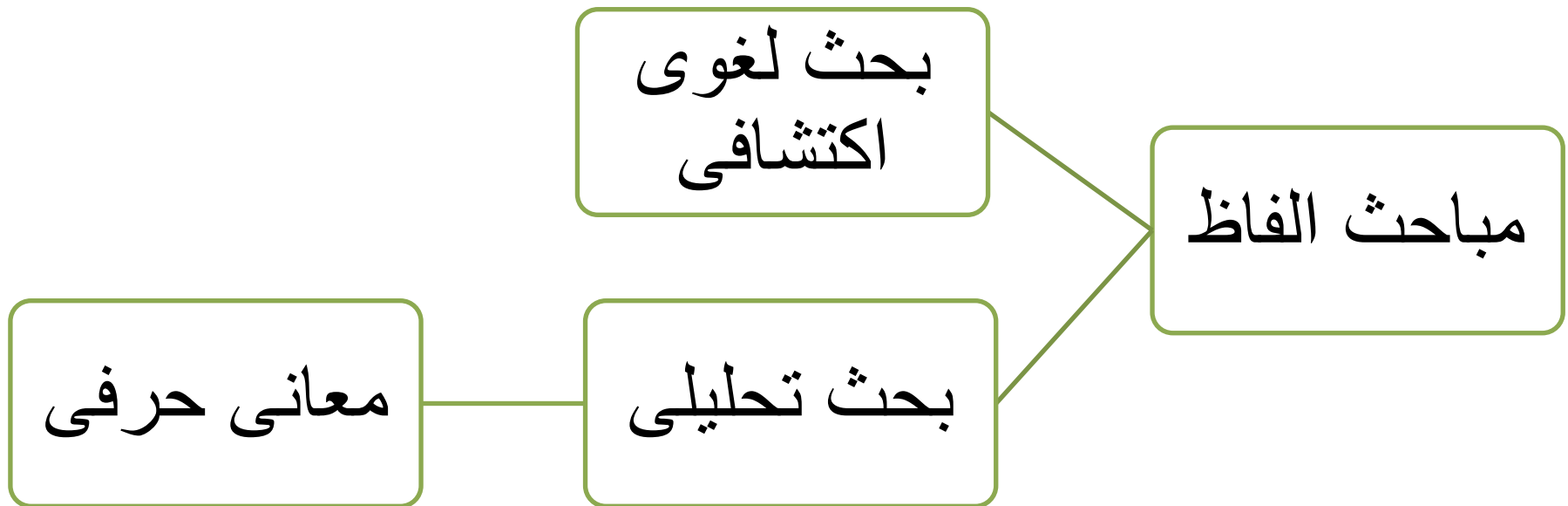
۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ

بحث لغوی
اکتشافی

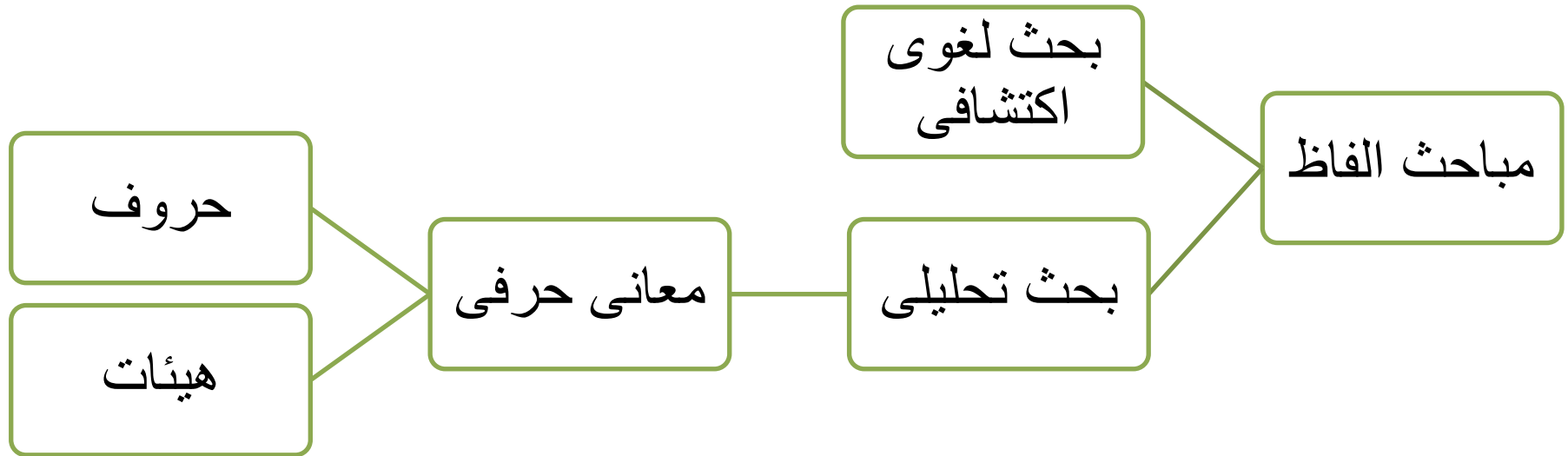
مباحث الفاظ

بحث تحلیلی

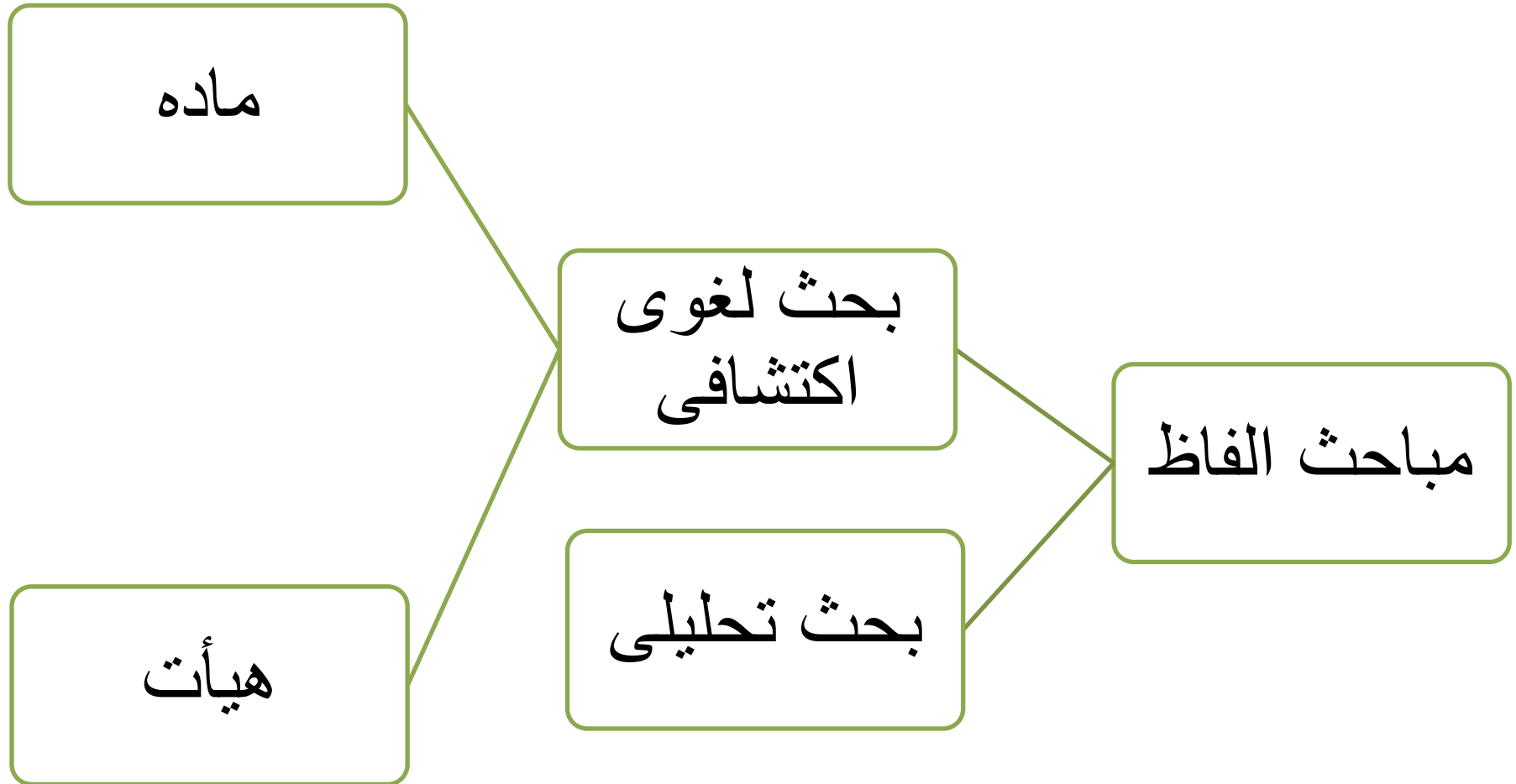
۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



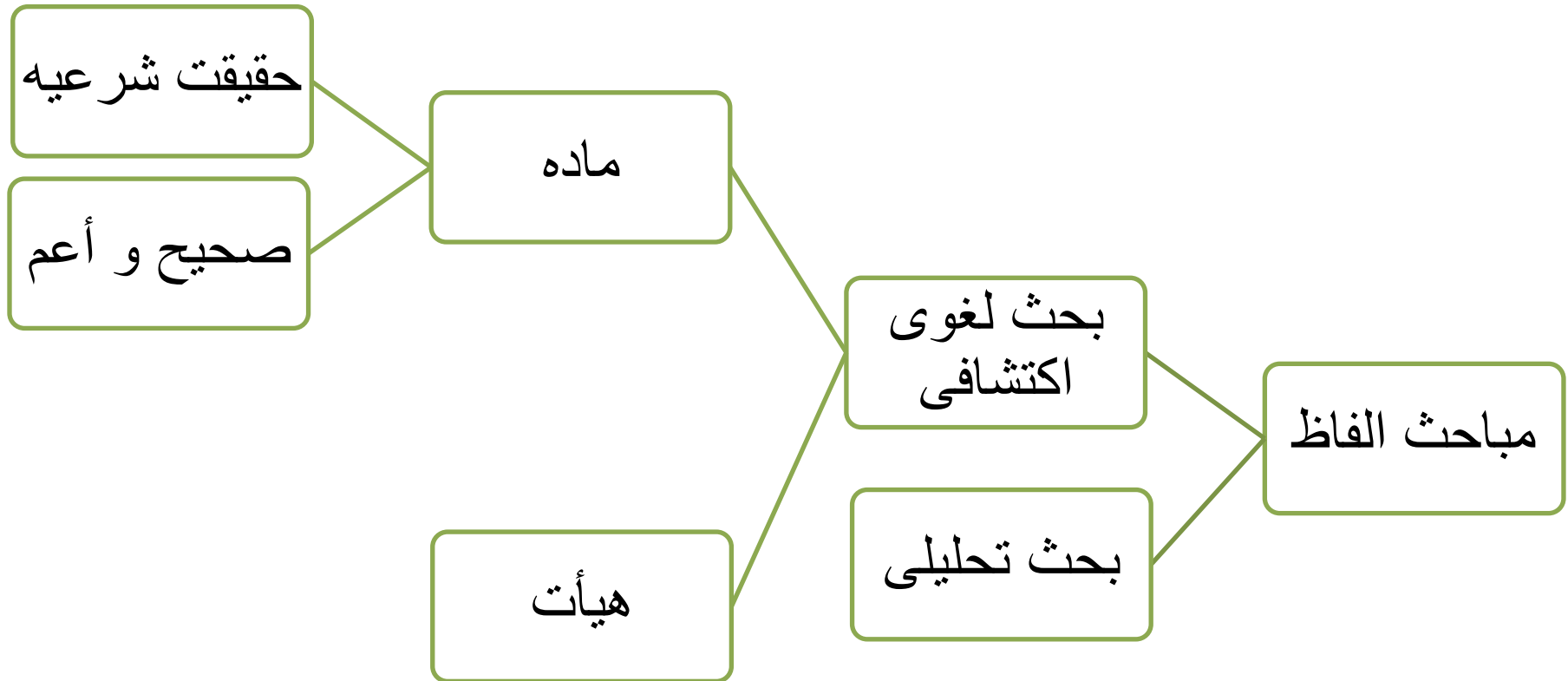
۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



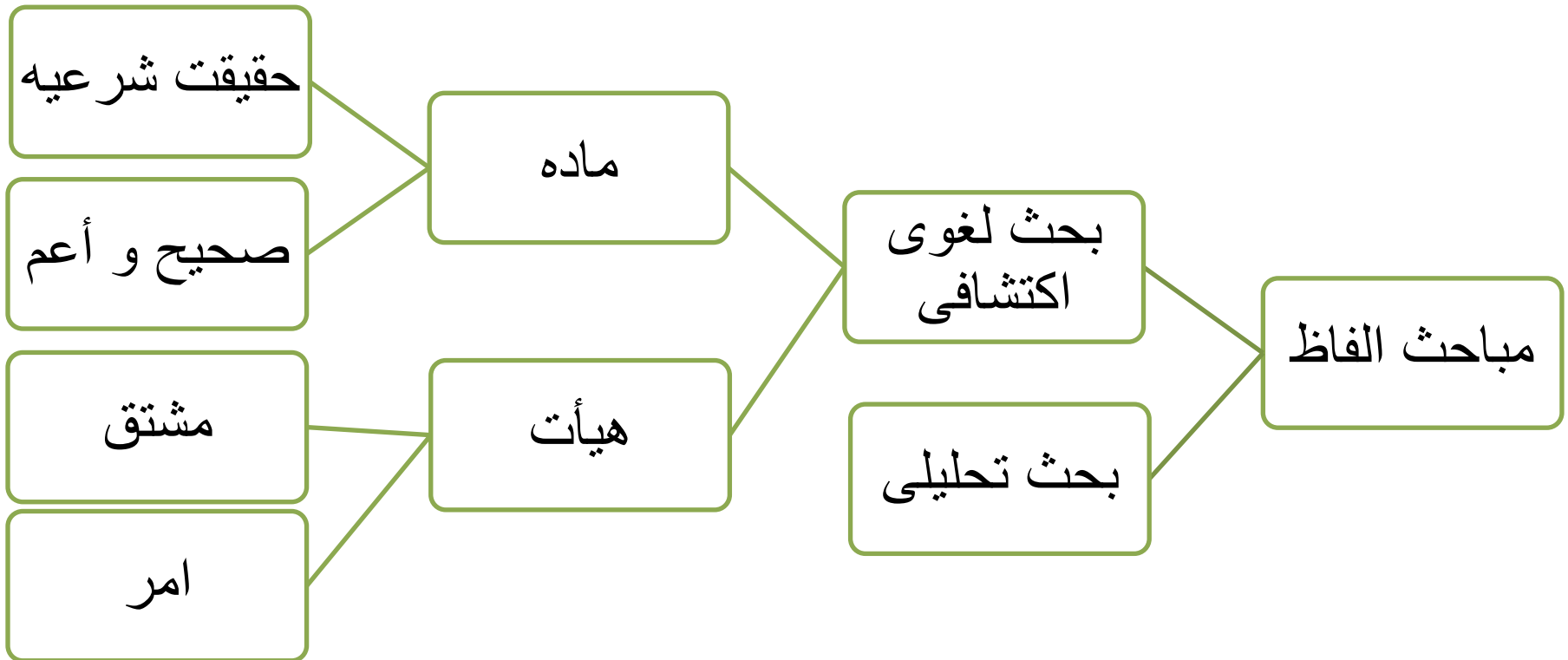
۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



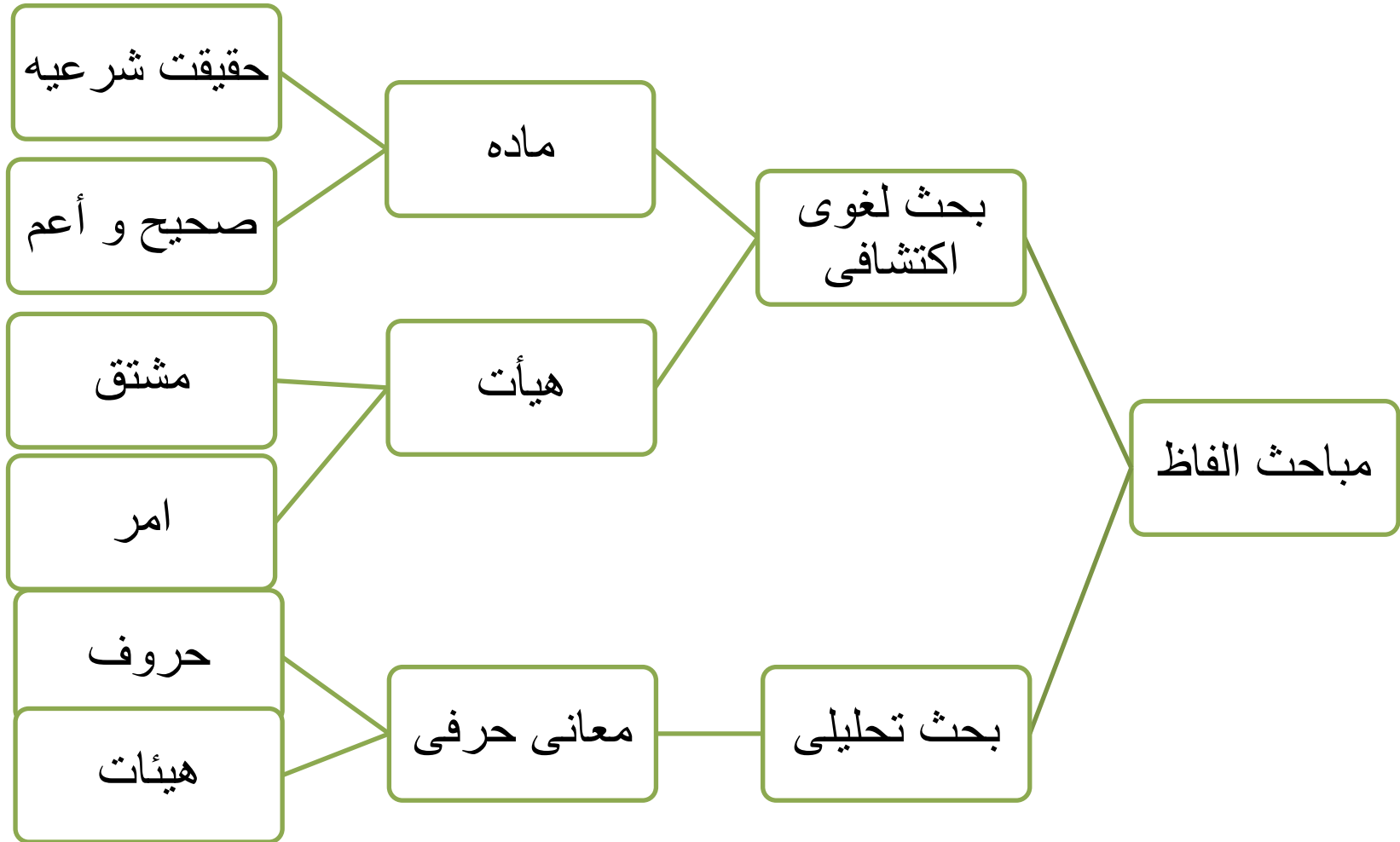
۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



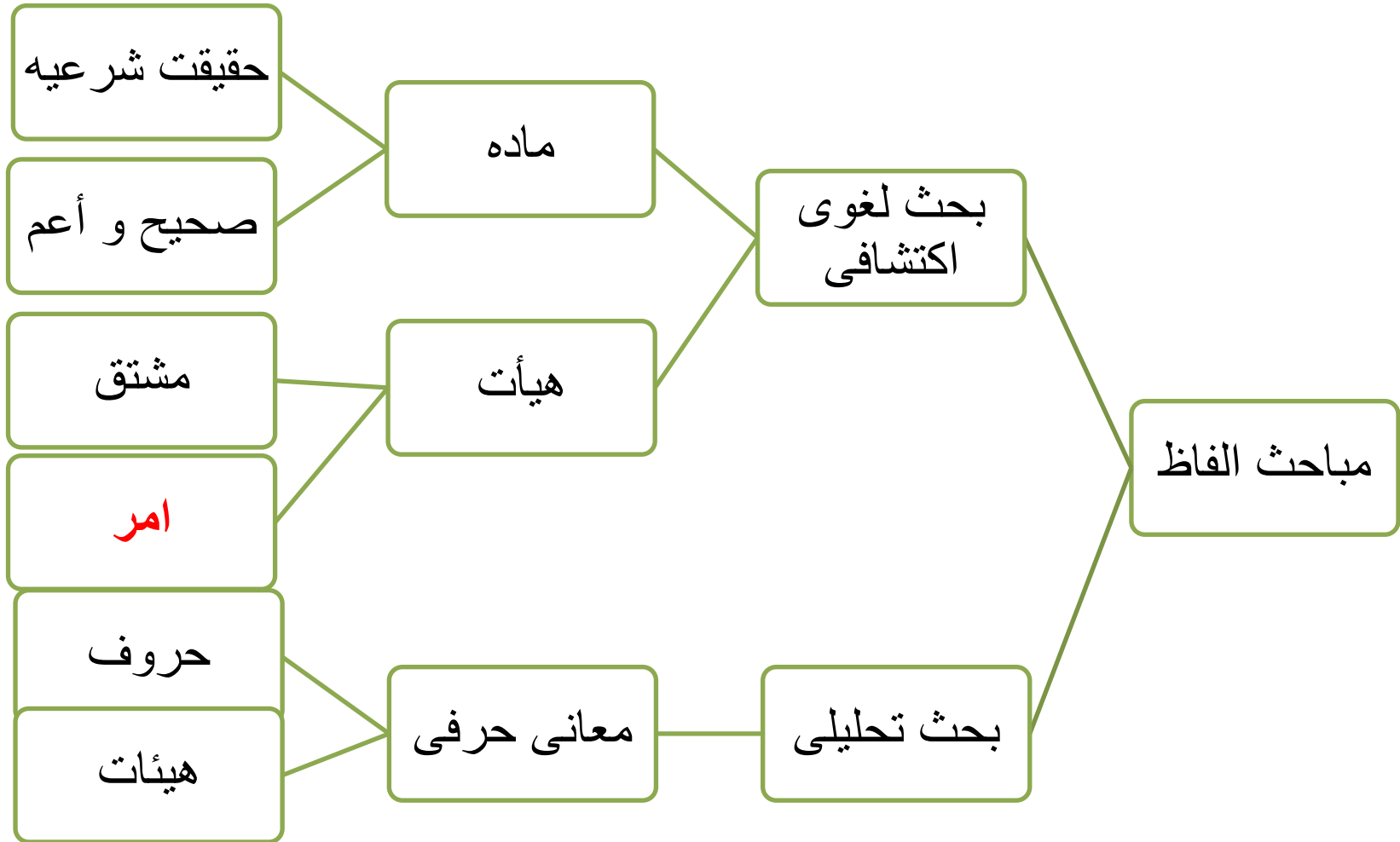
۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



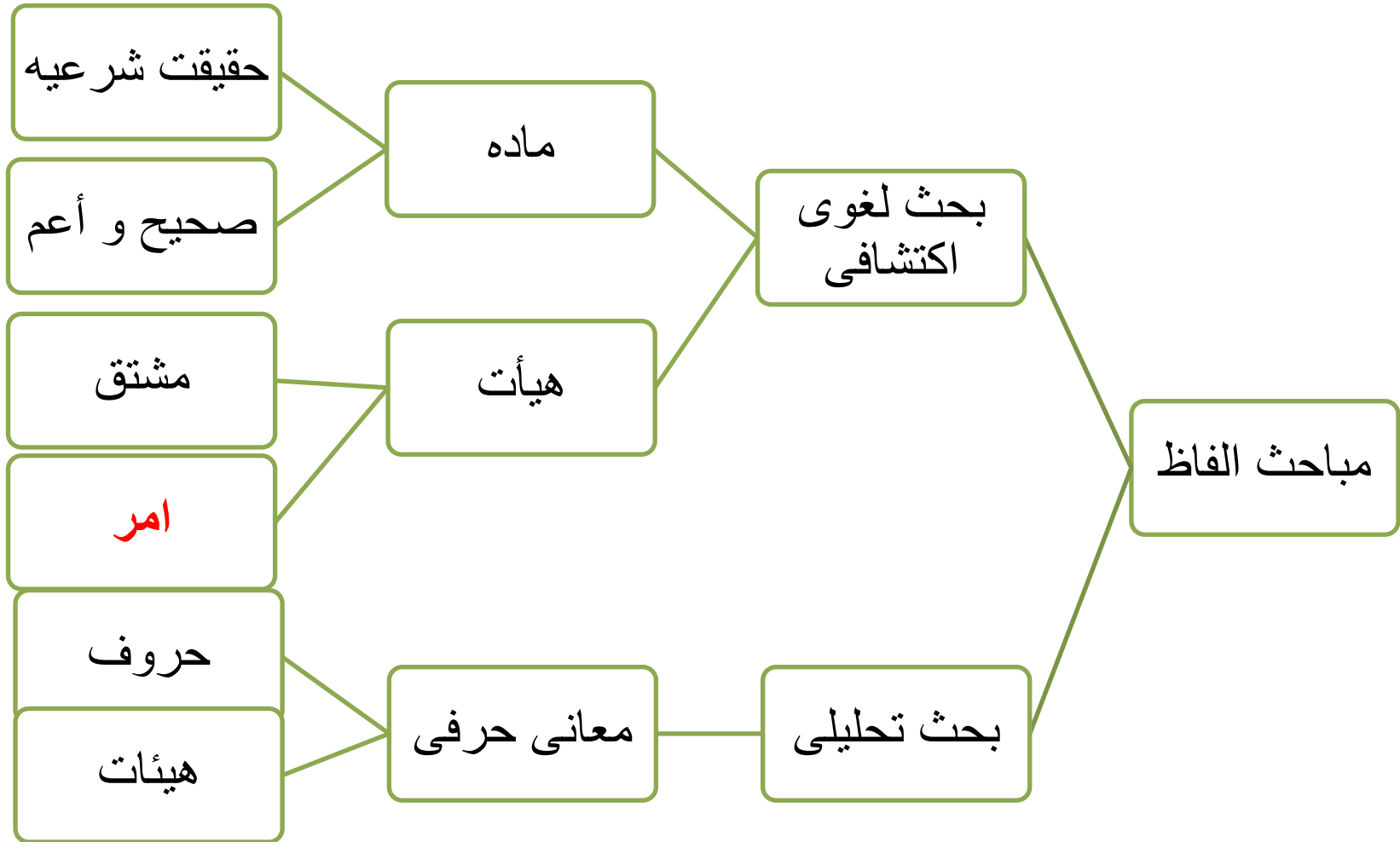
۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ

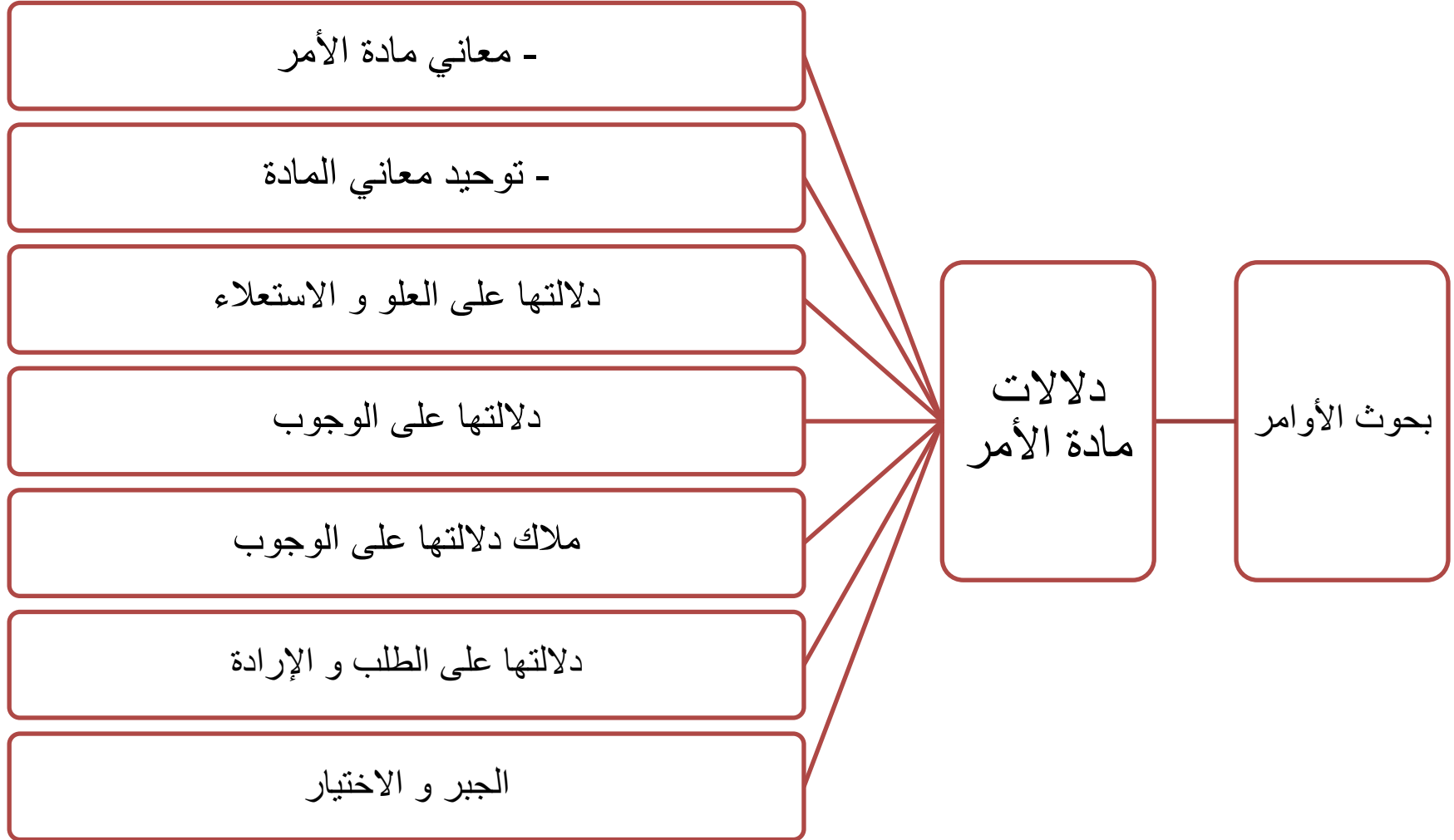


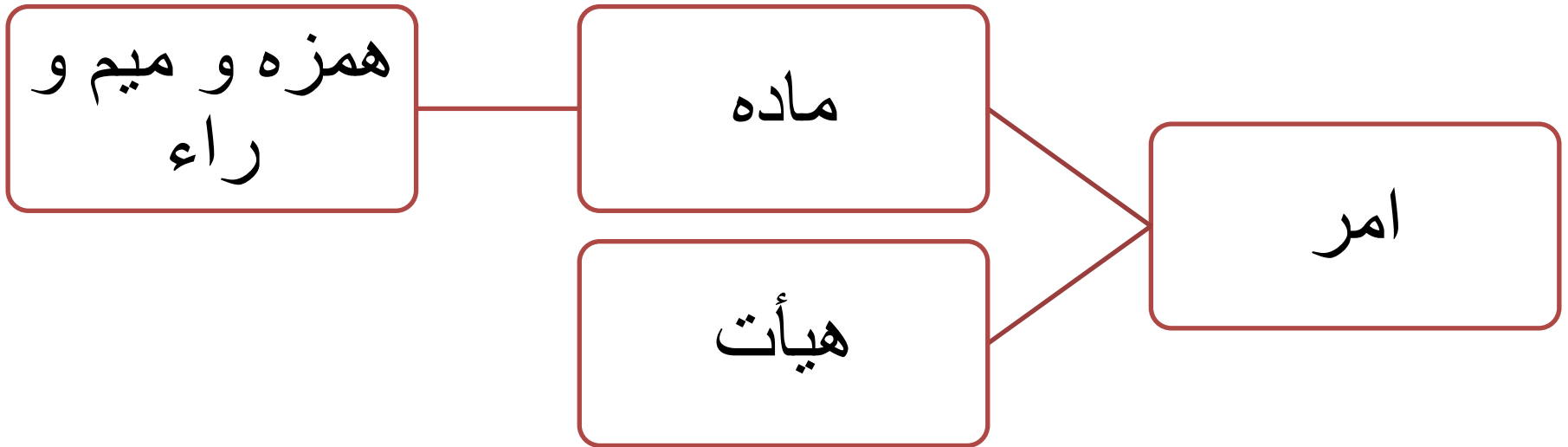
ماده

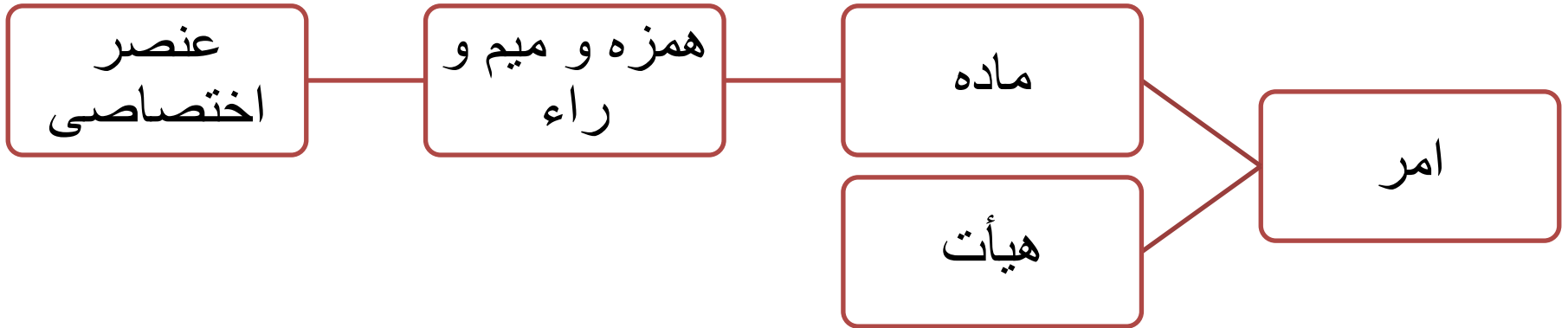
هيأت

امر

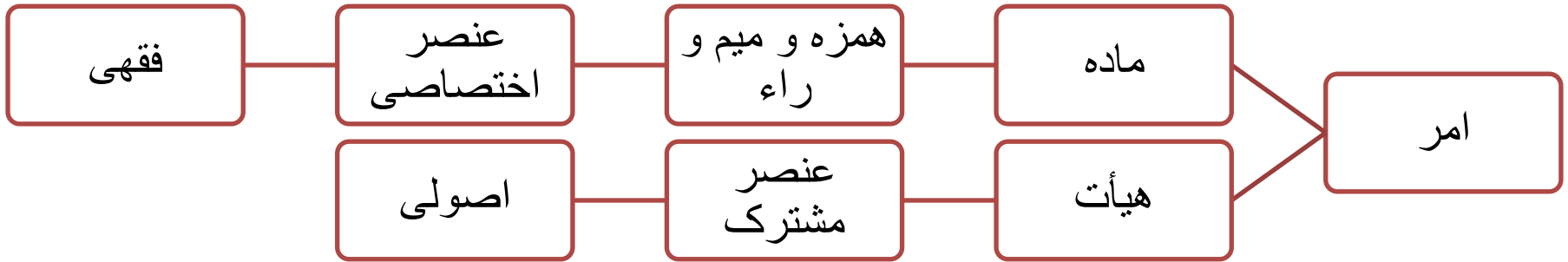
فَلْيُحَذَّرِ الَّذِينَ يُجَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ
 أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ
 ظَلَامٌ بِلَيْسٍ

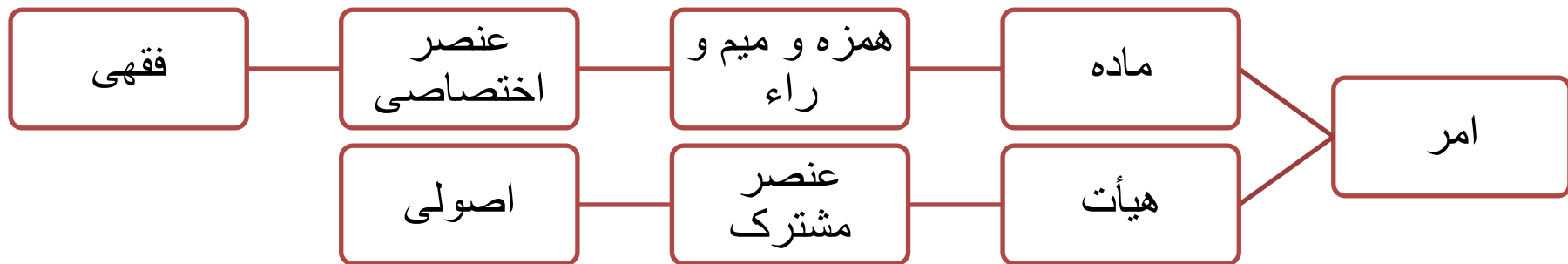












• مقدمه

- این بحث یکی از قدیمی ترین بحث های الفاظ محسوب می شود. اصولی های گذشته به دلیل اینکه مسأله برای آن ها منقح نبوده است، بحث ماده امر را با بحث هیأت امر مخلوط کرده اند؛ مثلاً وقتی این بحث مطرح می شود که آیا امر در وجوب ظهور دارد یا خیر، گفته اند: در قرآن فرموده است: «وَاطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا». المائدة، ۹۲. لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (النور ۶۳)

- یعنی کسانی که با امر پیغمبر - صلی الله علیه و آله - مخالفت می‌کنند، در حذر باشند. پس معلوم است که امر ظاهر در وجوب است. با دقت درمی‌یابیم که مقصود از امر در اینجا، ماده امر است در حالی که آنچه در سؤال مقصود بود، هیأت امر است.
- اصولی‌های متأخر بحث ماده را به صورت مستقل از بحث هیأت مطرح کردند در حالی اساساً ماده امر اصلاً بحث اصولی نیست؛ چون بحث از مواد به شکل خاص مثلاً ماده امر (همزه و میم و را) بحث از یک عنصر مشترک در فرآیند استنباط نیست، بلکه به حوزه فقه مرتبط می‌شود که در آن از عناصر مختص بحث می‌کنیم. به همین دلیل در آثار اصولی مماثل این بحث را در ماده نهی (نون و ها و یا) نمی‌بینیم.

- حتی شهید صدر - رضوان الله عليه - نیز که در تنقیح موضوع علم اصول و روشن کردن چارچوب‌های منطقی این علم تلاش فراوانی کرده است، یک بحث مفصلی را دربارهٔ مادهٔ امر مطرح کرده است و اصلاً اشاره نکرده است که این بحث، اصولی نیست.
- در هر صورت معیار بحث اصولی هم در بحث از مادهٔ امر منطبق نیست و اگر این بحث فایده‌ای داشته باشد، حداکثر به عنوان مقدمه‌ای برای سایر بحث‌های اصولی می‌تواند مطرح باشد که به نظر من حتی مقدمات هم ندارد. به همین دلیل ما به کلی از این بحث صرف نظر می‌کنیم.

ماده

هیأت

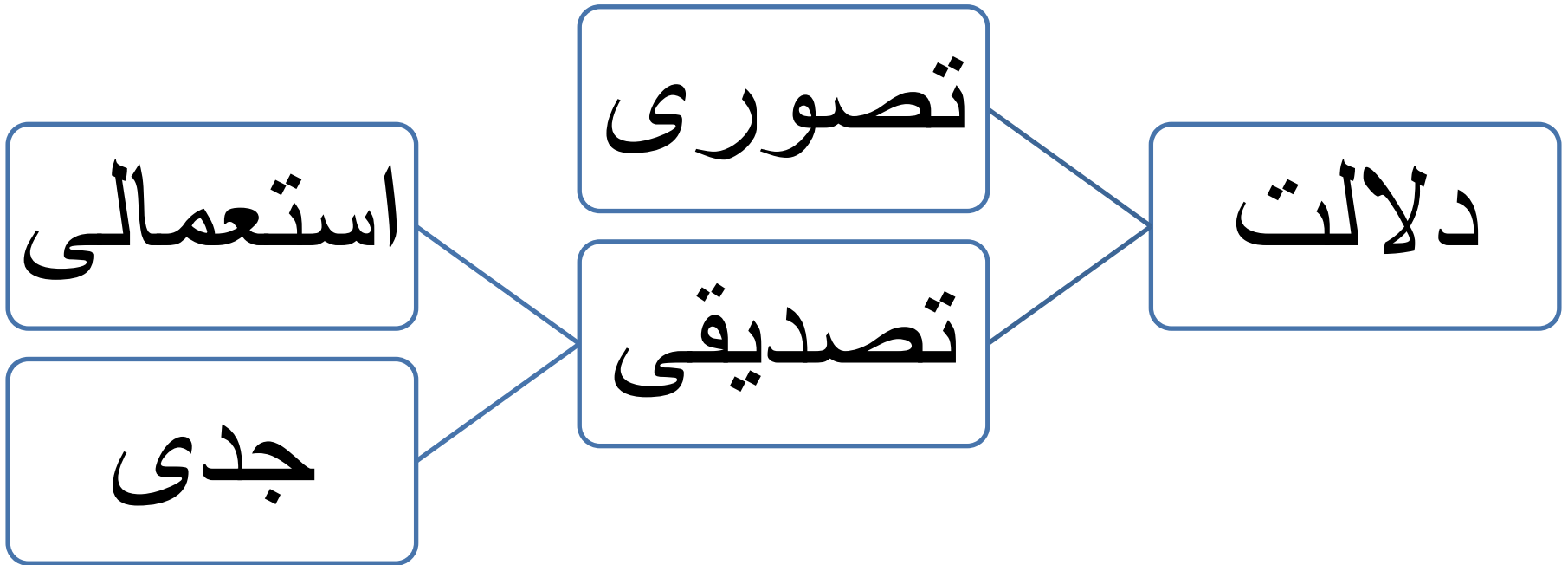
امر

هيات أمر

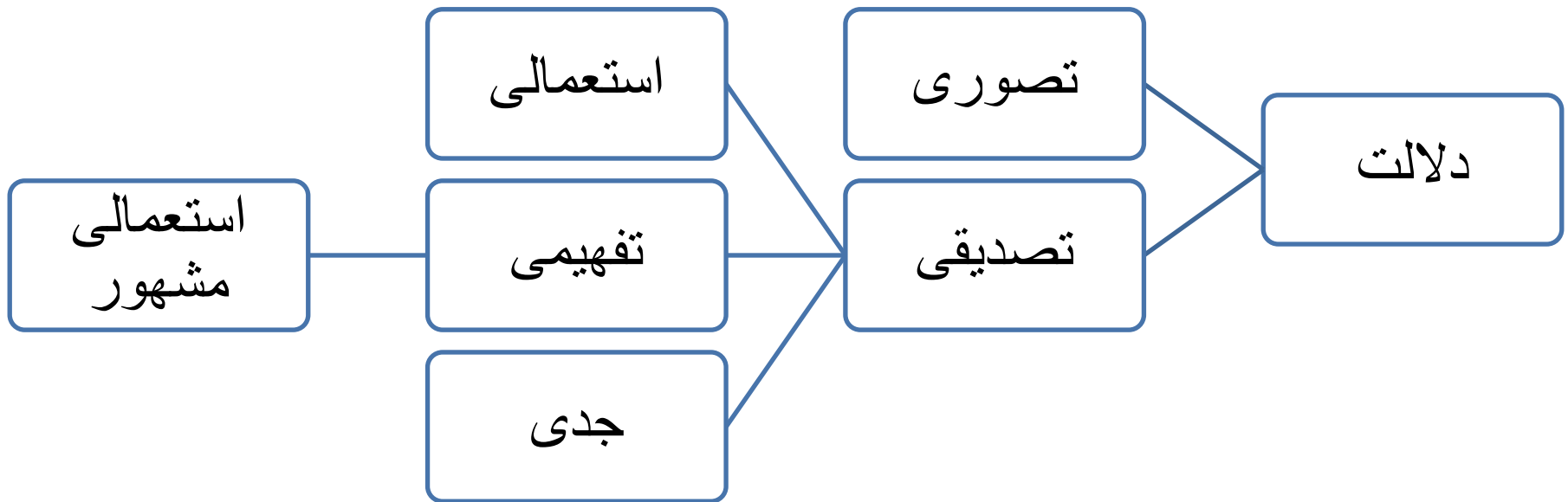
- الجهة الأولى - فى دلالتها على الطلب
 - لا إشكال فى أصل الدلالة انما البحث فى كيفية استفادة الطلب منها
- لأنها من الهيئات فلا يمكن ان تكون موضوعة لمفهوم الطلب الاسمى
 كلفظ الطلب بل لا بد ان تكون موضوعة بإزاء معنى نسبي يساوق مفهوم الطلب الاسمى.

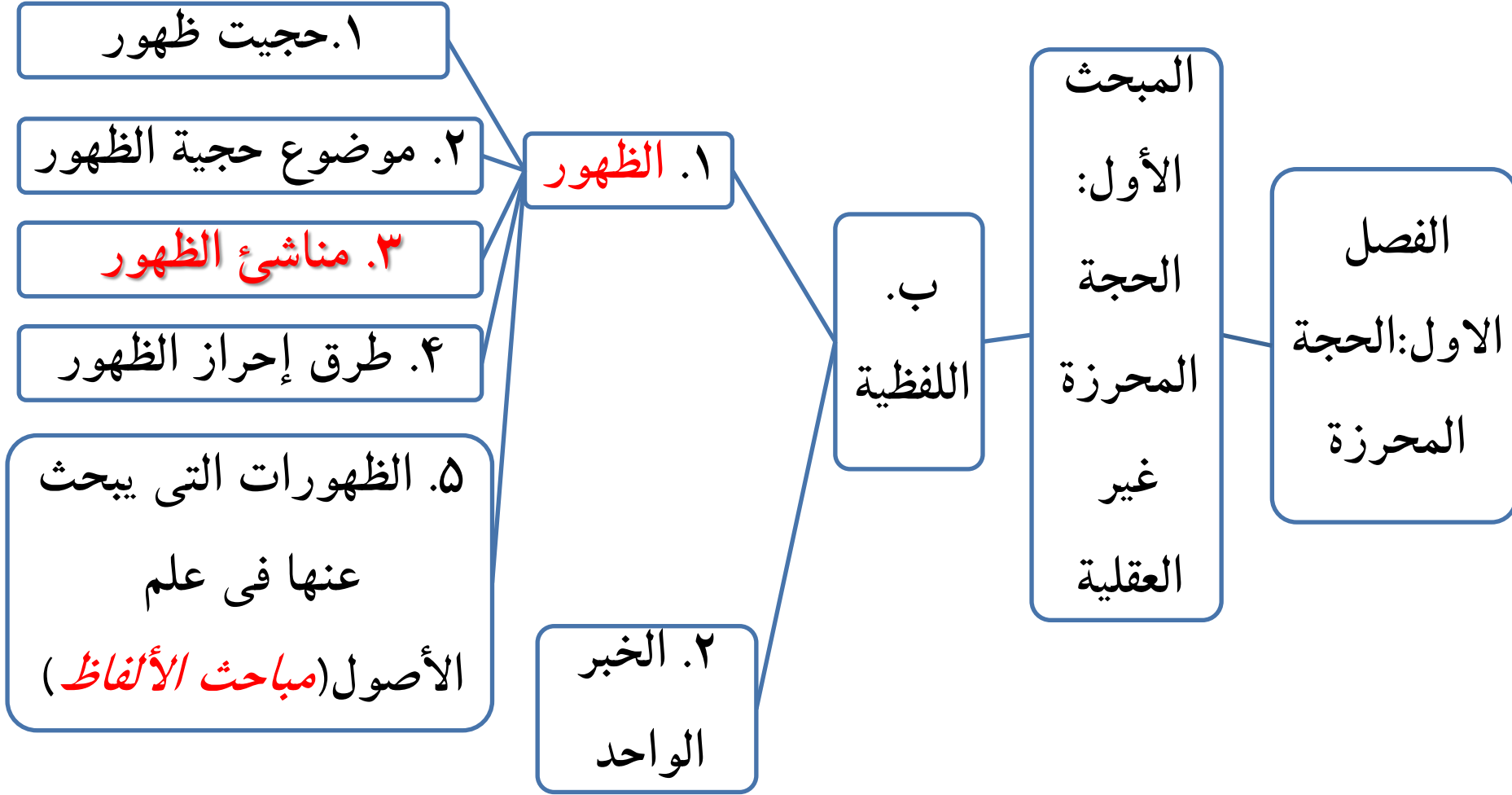
هيات أمر

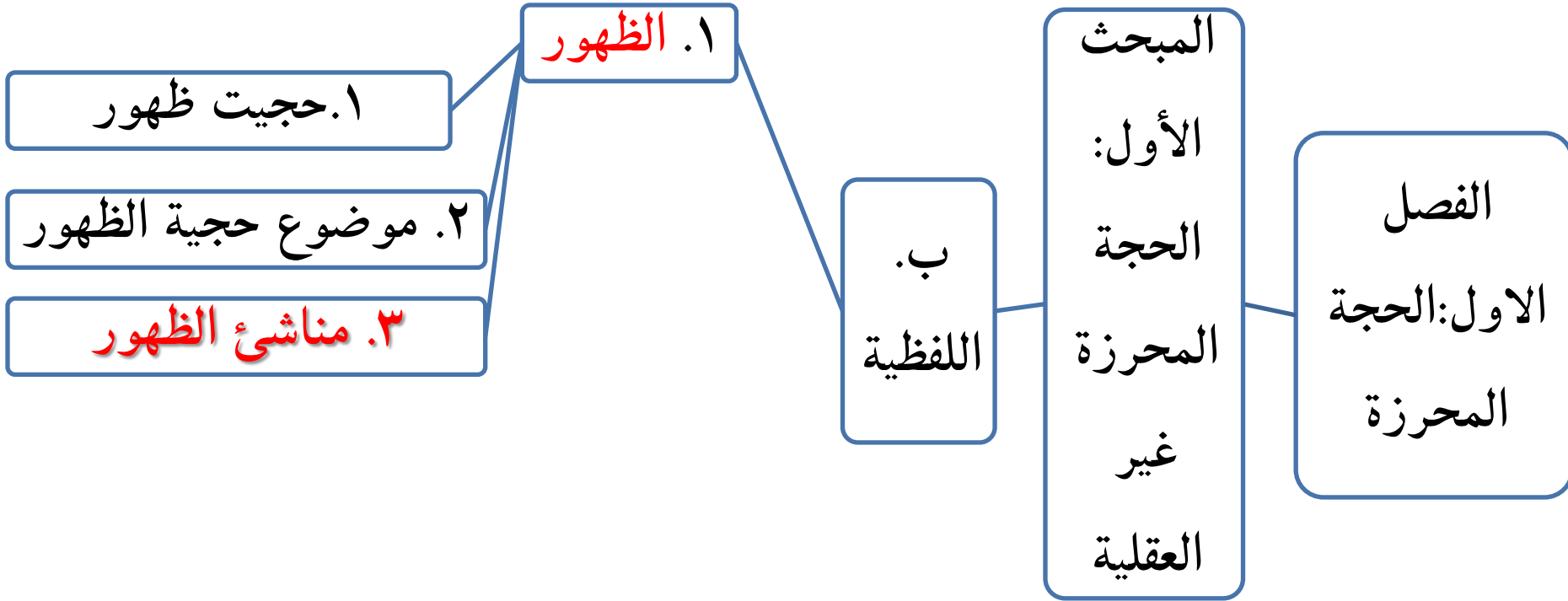
- و لا بد من ان نستبعد منذ البدء ما اختاره السيد الأستاذ من انها موضوعة بإزاء إبراز اعتبار نفساني هو اعتبار الفعل في ذمة المكلف «١» فان هذا مبني على مسلكه في باب الوضع و هو مسلك التعهد و الذي كان يقتضى كون الدلالة الوضعية تصديقية لا تصورية.
- (١) - محاضرات في أصول الفقه، ج ٢، ص ١٣٠

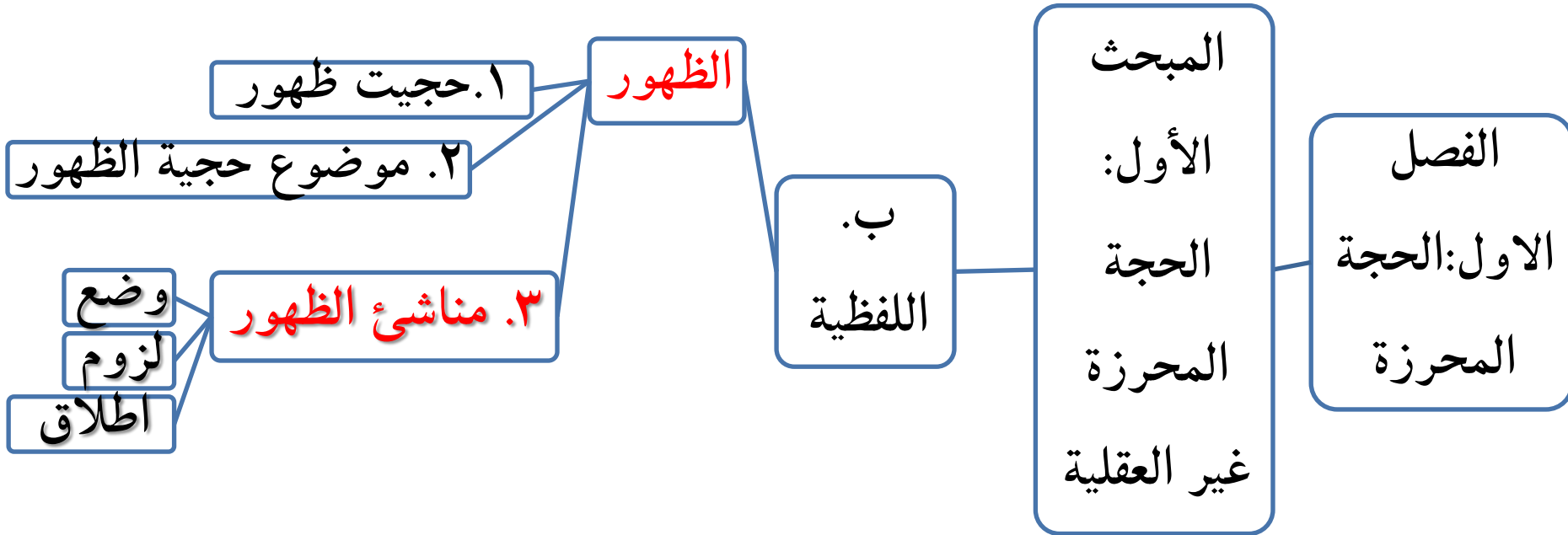


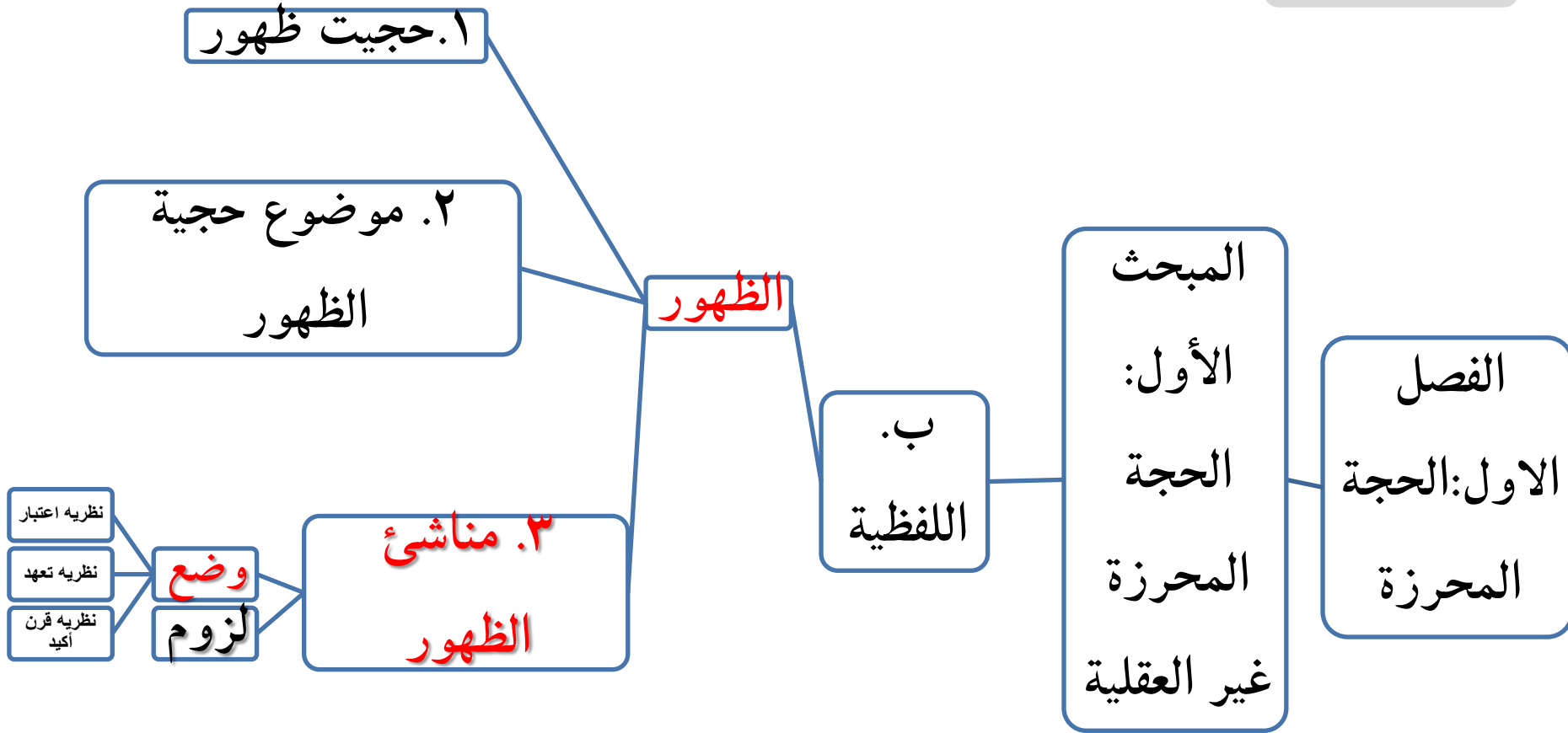
تقسيم شهيد صدر



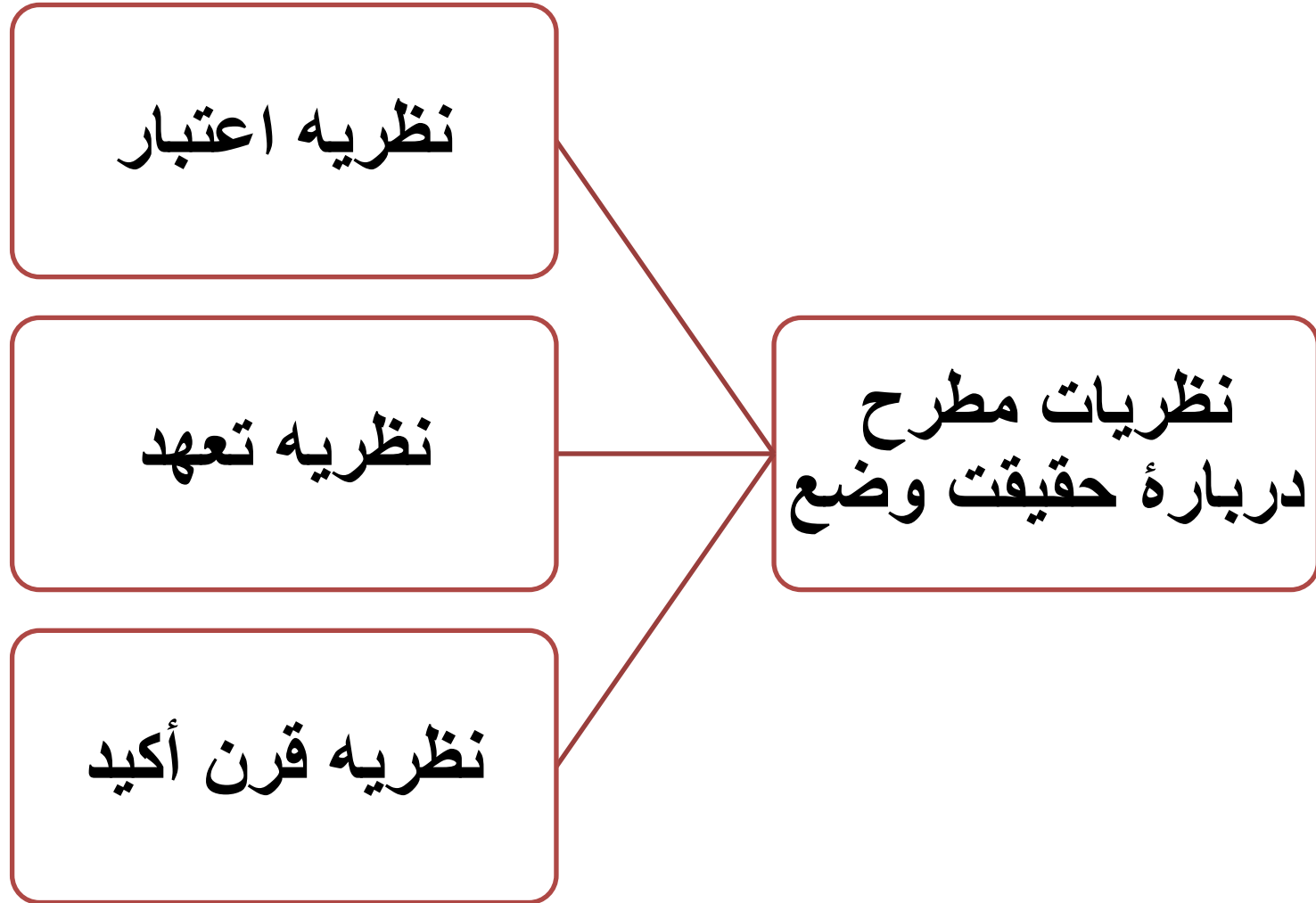






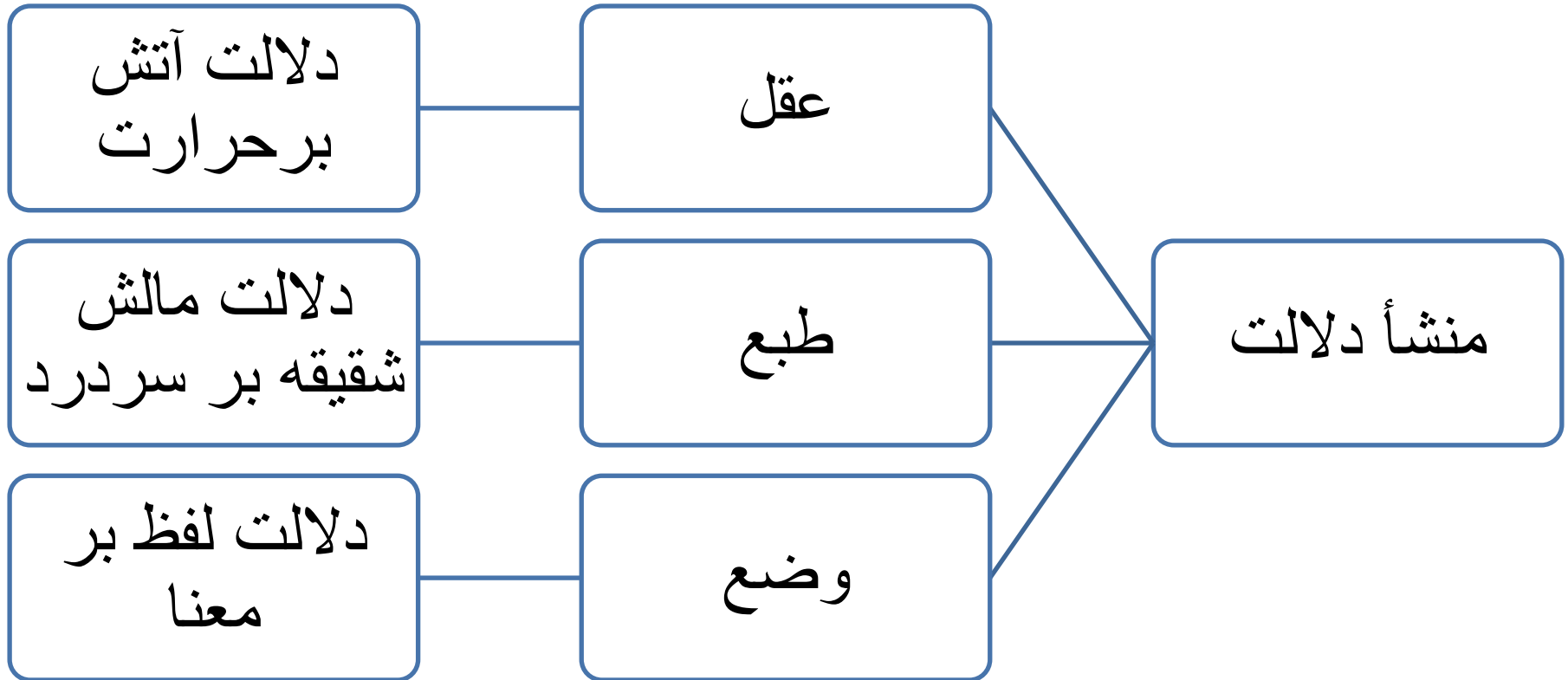


وضع یکی از مناشیء ظهور



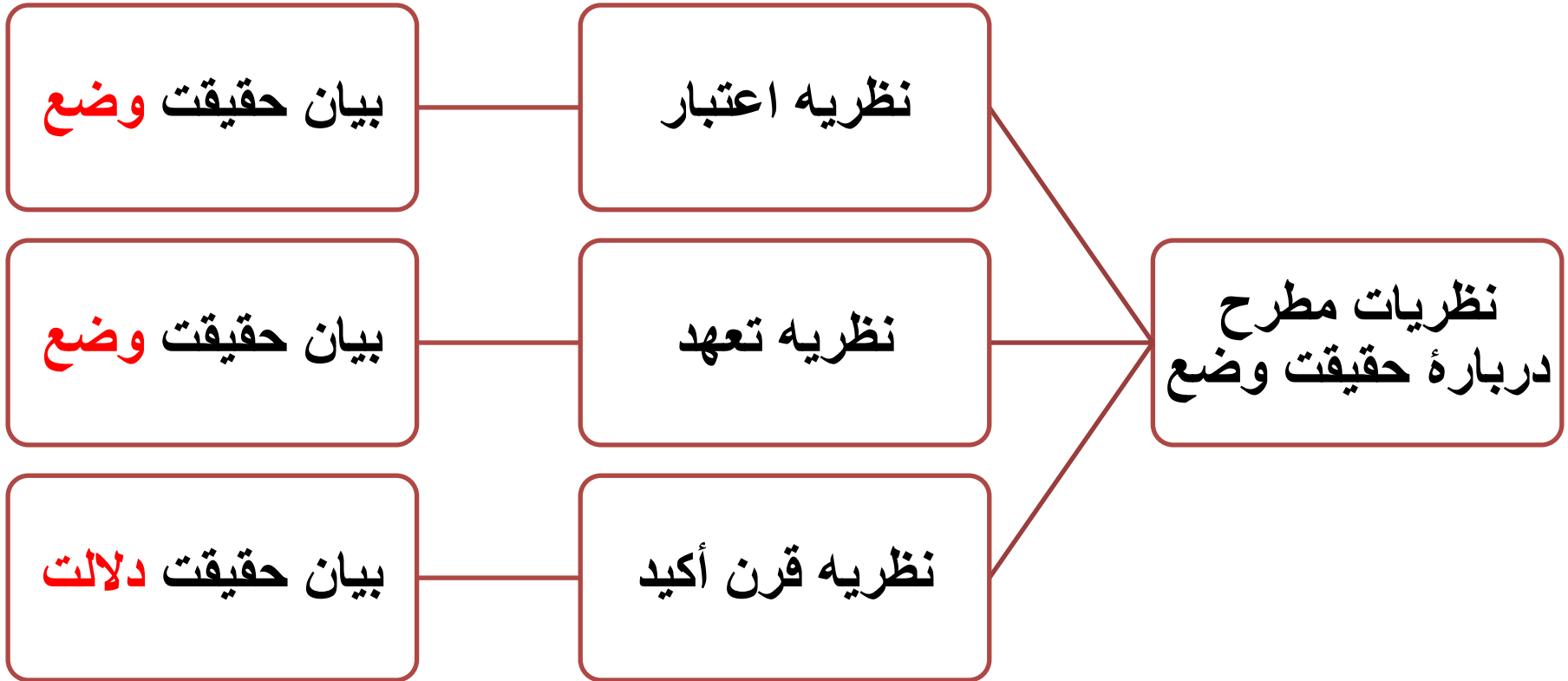
۲۳-۱۲-۹۳ جلسه ۷۱

وضع یکی از مناشیء ظهور



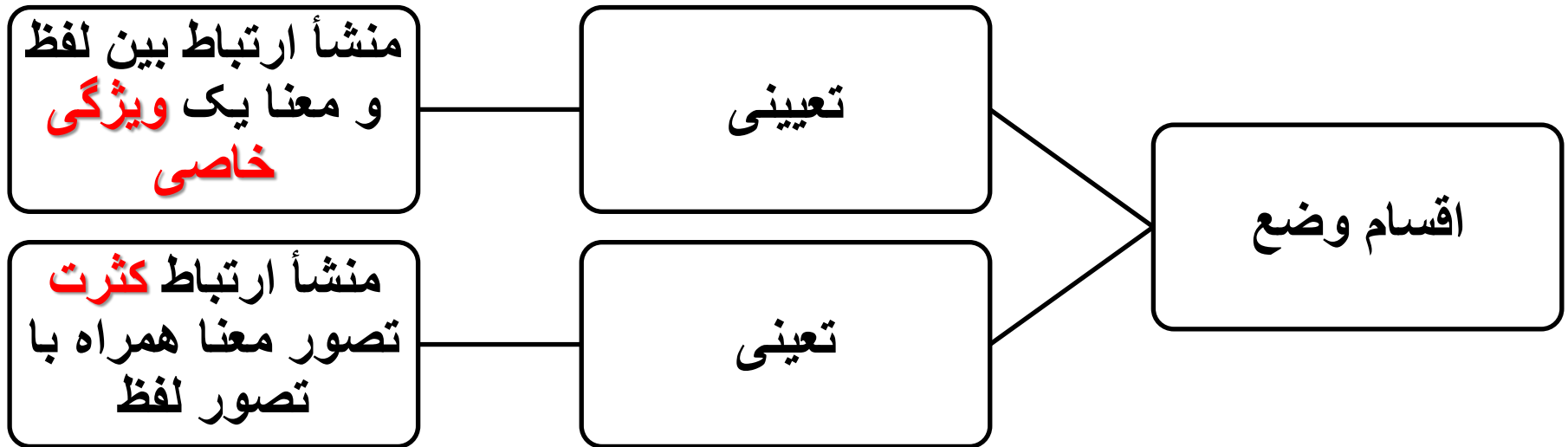
۲۳-۱۲-۹۳ جلسه ۷۱

وضع یکی از مناشیء ظهور



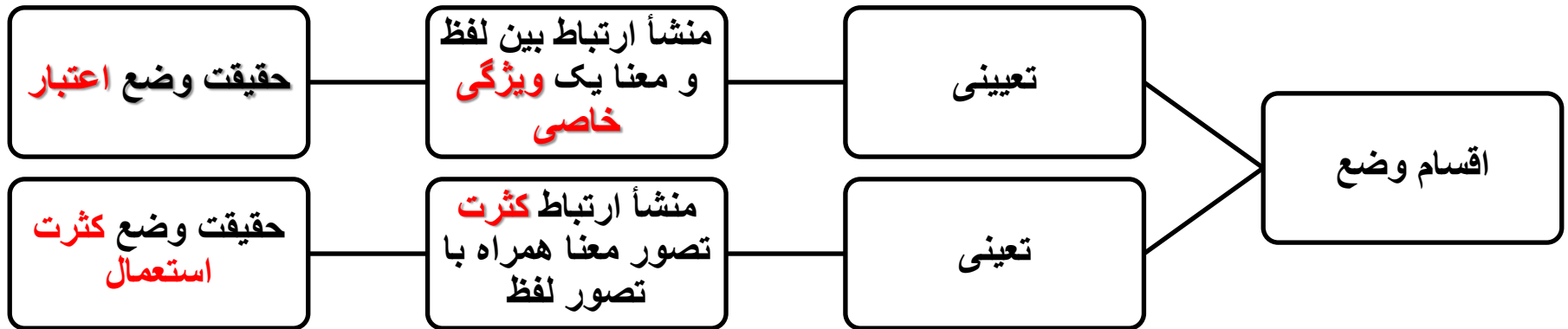
۲۳-۱۲-۹۳ جلسه ۷۱

وضع یکی از مناشیء ظهور



۲۳-۱۲-۹۳ جلسه ۷۱

وضع یکی از مناشیء ظهور



۲۳-۱۲-۹۳ جلسه ۷۱

هيات امر

- اما على المسلك الصحيح من ان الدلالات الوضعية تصويرية فلا بد من تشخيص ما هو المعنى التصورى الموضوع له صيغة الأمر قبل الانتهاء إلى المعنى التصديقى فى نفس المتكلم الذى يكشف عنه الظهور الحالى [١] إذا عرفت ذلك فنقول:

[١]- بل على مسلك التعهد أيضا لا بد من البحث عن كيفية دلالة صيغة الأمر على الطلب تصورا و لو لم يكن هذا المدلول التصوري وحده الوضع لأن مسلك التعهد أيضا يميز بين المعانى الاسمية و الحرفية على مستوى التصور و ان لم يكن هذا التصور وحده هو المعنى الموضوع له بل الموضوع له قصد افهام ذلك التصور و إرادته اخبارا أو إنشاء و اعتبارا. و بعبارة أخرى القائل بمسلك التعهد أيضا لا بد ان يميز بين قصد إبراز معنى اسمى أو قصد إبراز معنى حرفى أى يميز بين ما إذا أخبر عن اعتباره للفعل على ذمة العبد بجملة اسمية أو بصيغة الأمر.

هيات امر

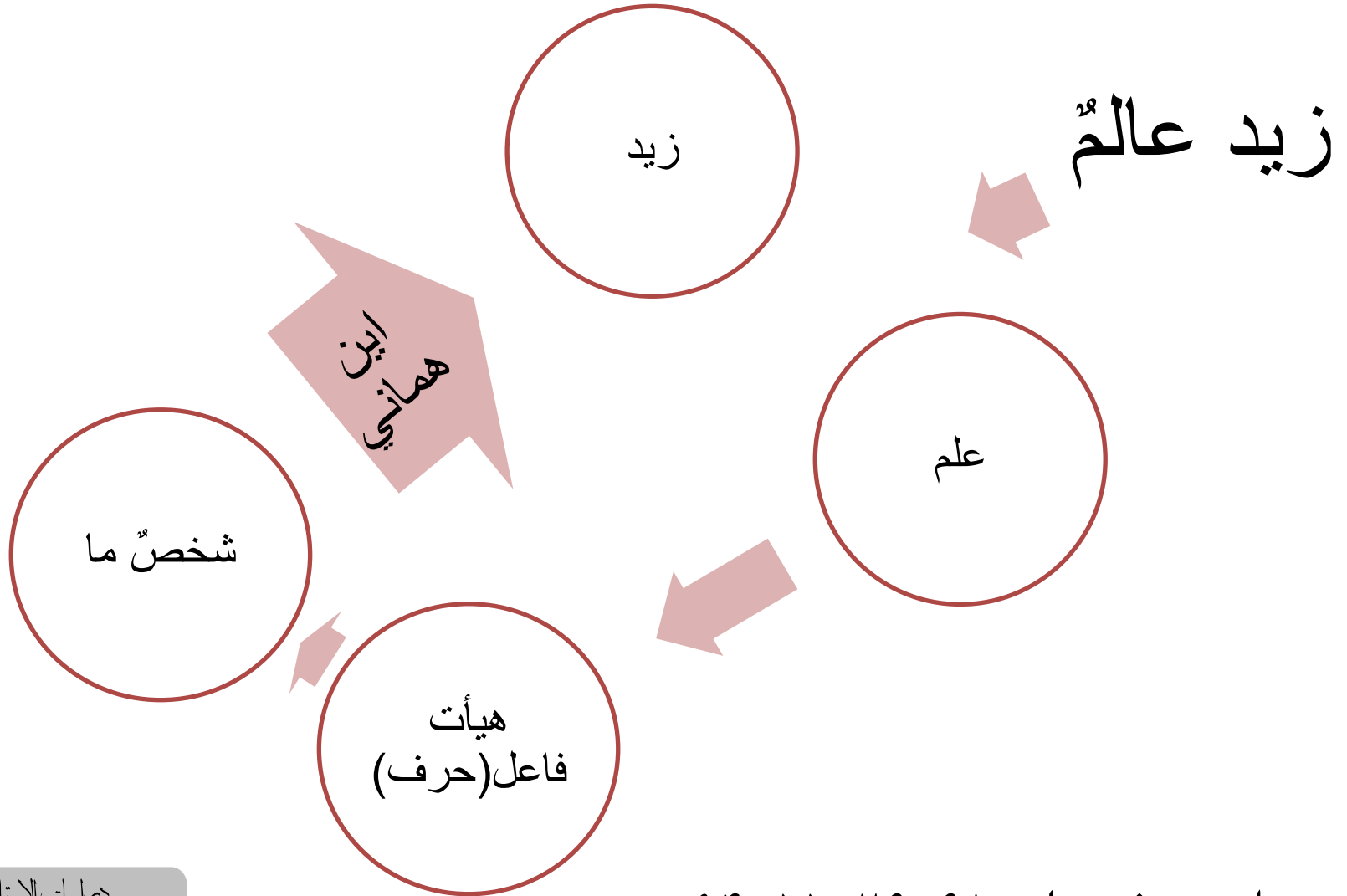
- قد تقدم فى بحث معانى الحروف و الهيات ان الجمل الفعلية كجملة (ضرب زيد) تشتمل على نسبتين:
- إحداهما نسبة ناقصة بين الحدث - كالضرب فى المثال - و بين ذات مبهمة و هى نسبة صدورية فى الفعل الماضى و المضارع
- و نسبة أخرى تامة بين الفاعل و هو زيد فى المثال و بين تلك الذات المبهمة الواقعة ضمن النسبة الناقصة و قد سميناها بالنسبة التصادقية فكأننا قلنا ان الذات التى صدر منها الضرب هو زيد

هيات امر

- و قلنا هناك ان هذا ما يسوق إليه البرهان في مقام تحصيل مفاد الجملة الفعلية و بينا ان النسبة التصادقية لا تكون بين المفهومين بما هما مفهومان في عالم اللحاظ لأنهما في عالم اللحاظ متغايران و انما هي نسبة التصادق بين المفهومين بما هما فانيان في الخارج

هيات امر

- و من هنا لا بد في كل نسبة تامة من طرف ثالث و هو وعاء الفناء فانه تارة يكون وعاء الفناء هو عالم الحقيقة و الخارج فتكون الجملة اخبارا و أخرى يكون الوعاء عالم الاستفهام أو الترجي أو التمني فيكون استفهاما و ترجيا و تمنيا و بهذا يعرف وجه الفرق بين ضرب زيد و هل يضرب زيد و لعل زيدا يضرب.

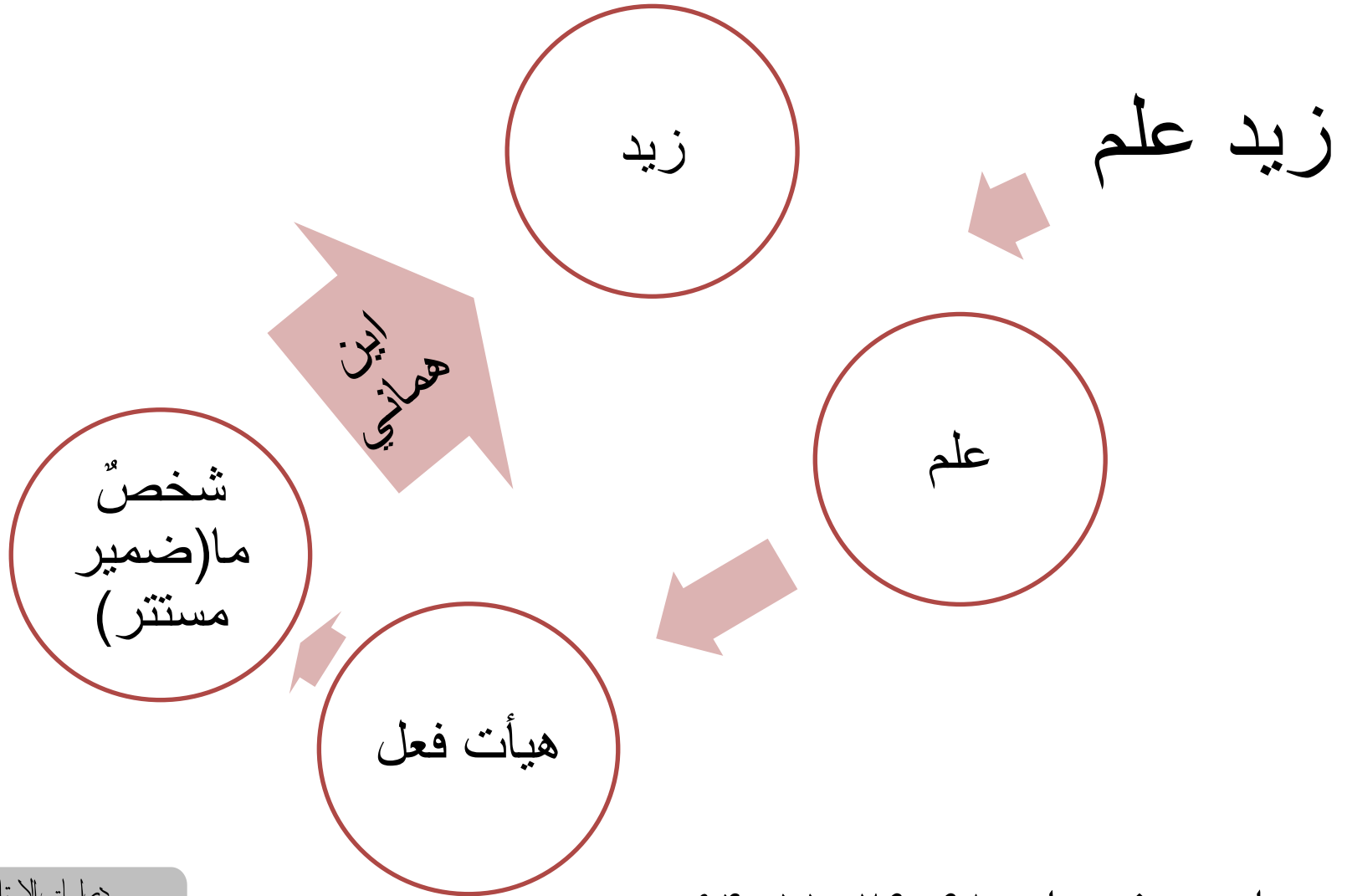


علم زيد

زيد

علم

هيأت
فعل



يعلم زيد

زيد

علم

هيات
فعل (النسبة
التلبيسية)

إعلم (زيد)

زيد (مأمور)

علم

هيات
فعل (النسبة
الإنشائية
الإيقاعية)

إعلم (زيد)

زيد (مأمور)

علم

هیأت
فعل (النسبة
الإرسالية)

مدلول هیأت امر

- هیأت امر در زبان عربی برای چه معنایی وضع شده است و چه مدالیلی را به همراه خودش دارد؟ شهید صدر - رضوان الله علیه - می فرماید تردیدی در دلالت هیأت امر بر طلب نیست. بحث این است که چگونه از هیأت امر طلب فهمیده می شود و به عبارت دیگر آیا دلالت هیأت امر بر معنای طلب به وضع است یا به نکته ای دیگر؟

مدلول هیأت امر

- به طور کلی هیئات برای معانی ربطی و غیر مستقل وضع شده‌اند. بنابراین اگر حتی هیأت امر بر طلب دلالت کند، طلب نمی‌تواند موضوع له آن باشد؛ چون طلب خودش یک مفهوم اسمی و مستقل است. شهید صدر - رضوان الله علیه - می‌گوید هیأت امر برای نسبت ارسالیه وضع شده است؛ زیرا به طور کلی هیأت در افعال در درجه اول بر نسبتی بین ماده و فاعل دلالت می‌کنند؛ مثلاً در «ضربَ زید عمراً» بر نسبتی بین ماده (ضرب) و فاعل (زید) دلالت می‌کند و این نسبت در فعل ماضی نسبت صدوریه است.

مدلول هیأت امر

- این هیأت بیان می‌کند که ضرب از زید صادر شده است. اما در «إضرب زیداً» در فعل امر، هیأت بر نسبتی بین (ضرب) و فاعل (أنت مستتر) دلالت می‌کند.
- این نسبت با نسبت موجود در «ضربت» یا «تضرب» تفاوت دارد.
- در ضربت نسبت بین ضرب و أنت، نسبت صدوریه است و این صدور در زمان گذشته رخ داده است
- و در تضرب نیز نسبت بین ضرب و أنت صدوریه است و این صدور یا در زمان حال در حال رخ داده است یا در آینده رخ می‌دهد

مدلول هیأت امر

- اما در إضرب، نسبت اصلاً صدوریه نیست و نمی خواهد بگوید ماده ضرب از تو صادر شده است، بلکه هنوز ضربی از این شخص صادر نشده است.
- إضرب بر نسبت ارسالیه دلالت می کند. در حقیقت آمر، مأمور را بعث می کند، برمی انگیزد، دفع می کند یا ارسال می کند به سوی مأمور به.

مدلول هیأت امر

- وقتی می گوید اِضْرِبْ: بزن، گویا شخص را به سمت زدن هل می دهد. او را برمی انگیزد تا به سمت تحقق زدن برود. طلب از ملاحظه این نسبت فهمیده می شود. در واقع لازمه مدلول وضعی هیأت است. لازمه اینکه گوینده مخاطب را برای انجام این کار می فرستد، برمی انگیزد یا دفعش می کند، آن است که گوینده خواهان چنین فعلی است.

مدلول هیأت امر

- در واقع شهید صدر - رضوان الله علیه - امر را به یک عمل تکوینی تشبیه می‌کند. برای مثال می‌خواهیم کسی را از اتاق بیرون کنیم، گاهی او را هل می‌دهیم. این هل دادن یک کار تکوینی است. زمانی به او می‌گوییم: برو بیرون. در اینجا که به بیرون رفتن امر می‌کنیم، همان کار هل دادن را انجام می‌دهیم اما این هل دادن در عالم تکوین نیست، بلکه نوعی اعتبار است و در وعاء اعتباریات تحقق می‌یابد.

مدلول هیأت امر

- چرا شهید صدر - رضوان الله علیه - نمی گوید هیأت امر برای طلب وضع شده است؟ جواب ساده آن است که ایشان اول اشاره کرد که طلب معنای اسمی است و مدلول هیأت امر معنای حرفی است.

مدلول هیأت امر

- ممکن است اشکال را این طور مطرح کنیم که قائلین به وضع هیأت امر برای طلب، مقصودشان یک معنای حرفی معادل طلب بوده است نه معنای اسمی طلب؛ یعنی معنای حرفی‌ای که از سنخ طلب است و مصداق طلب شمرده می‌شود؛
- چنانکه درباره مدلول «من» می‌گویند ابتدائیت حرفی نه معنای اسمی لفظ الإبتداء. معنای حرفی من مصداق معنای الإبتداء است.
- به تعبیر دیگر طبق اصطلاحات خودمان می‌خواهند بگویند هیأت امر برای نسبت طلبیه وضع شده است.

مدلول هیأت امر

- پاسخ اشکال این است که اگر می‌گفتیم هیأت امر برای نسبت طلبیه وضع شده است، باید دو طرف نسبت را هم نشان می‌دادیم که با توجه به مفهوم طلب و مطالبه نسبت طلبیه در فعل امر، بین آمر و مبدأ فعل است؛ یعنی طالب همان آمر و مطلوب همان ضرب است در حالی که گفتیم هیأت در فعل، بر نسبتی بین فاعل و مبدأ دلالت می‌کند.

مدلول هیأت امر

- امر هم از این جهت مانند سایر افعال است. اما می بینیم فاعل فعل در فعل امر، متکلم امر نیست، بلکه أنت یعنی مخاطب و مأمور است.
- به همین دلیل شهید صدر - رضوان الله علیه - می گوید پس این نسبت از سنخ نسبت دفعیه و ارسالیه است نه صدوریه.
- به عبارت فنی طلب مدلول التزامی آن نسبت ارسالیه است. در واقع دیگران این نسبت طلبیه را دیده اند ولی به این نکته دقت نکردند که نمی تواند موضوع له هیأت امر (مدلول مطابقی) همین مفهوم طلب هرچند طلب حرفی باشد.

مدلول هیأت امر

- ایراد این پاسخ آن است که ارسال، دفع، بعث یا اغراء هم کار امر است و از این جهت این‌ها با طلب فرقی ندارند. بنابراین چه اشکالی دارد که ما بگوییم مدلول هیأت امر همان نسبت طلبیه است. امام - رضوان الله علیه - بیانی دارند که در کلمات شهید صدر - رضوان الله علیه - به این شکل نیامده است. شاید مرحوم صدر هم ناظر به همین مطلب بوده‌اند.

مدلول هیأت امر

- مرحوم امام می فرمایند متبادر از امر، نسبت اغرائیه است.
- در واقع می خواهند بگویند وقتی به وجدان و ارتکازات لغوی خودمان مراجعه می کنیم، می بینیم در همان ابتدا مفهوم بعث و برانگیختگی از ناحیه امر نسبت به مأمور در جهت مأمور به برداشت می شود.

مدلول هیأت امر

- در ادامه اشاره می‌کنند اینکه مرحوم آخوند گفته است هیأت امر برای طلب وضع شده است، درست نیست.
- بعد چند احتمال ذکر می‌کند.
- یکی این است که مراد از طلب نسبت طلبیه باشد به این معنی که امر می‌خواهد با امر مأمور را به انجام کاری وادار کند نه اینکه صرفاً طلب خودش را ابراز بکند.
- اگر مقصود از نسبت طلبیه همین باشد، سخن قابل قبولی است.

مدلول هیأت امر

- در واقع در ذهن امام - رضوان الله علیه - این نکته هست که امر صرفاً ابراز طلب نیست، بلکه یک تحریکی و بعضی در آن وجود دارد.
- ابراز طلب این گونه است که مثلاً بگویم: «رفتن شما مطلوب من است» یا «من خواهان رفتن شما هستم». این دو جمله با اینکه بگویم: «برو» تفاوت دارد.

مدلول هیأت امر

- مدلول مطابقی این دو نوع بیان با هم متفاوت هستند؛ هر چند ممکن مدلول التزامی آن دو جمله ابا مدلول مطابقی جمله سوم یکسان باشد.
- بنابراین علت اینکه ما نسبت ارسالیه را بر نسبت طلبیه ترجیح دادیم، متبادر بودن نسبت ارسالیه است.

مدلول هیأت امر

- مقصود آن چیزی است که در اصطلاح به آن فعل امر می گویند و در زبان های مختلف هم وجود دارد.
- الصدر، السيد محمد باقر، بحوث فی علم الأصول (تقریر سید محمود شاهردوی)، ج ۲، ص ۴۷، مؤسسة دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، چاپ سوم، ۱۴۱۷ هـ. ق.

مدلول هیأت امر

- . همان، ۴۹.
- . شهید صدر - رضوان الله علیه - در برخی موارد از این نسبت با عنوان نسبت بعثیه و در مواردی هم با عنوان نسبت دفعیه تعبیر کرده‌اند. احتمالاً این مطلب را از امام - رضوان الله علیه - اخذ کرده‌اند؛ چون مرحوم امام قبل از ایشان این بحث را به همین شکل مطرح کرده بودند. ظاهراً آن توضیحی را که درباره این نسبت دادند، نیز مأخوذ از مرحوم امام است. حتی مثالشان هم در این بحث نزدیک به مثال مرحوم امام است. (مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۱، ص ۲۴۳ - ۲۴۴)
- . البته این لازمه بودن را شهید صدر - رضوان الله علیه - نفرموده است و ما می‌گوییم.
- . بحوث فی علم الأصول، ج ۲، ص ۴۹ - ۵۰. شهید صدر - رضوان الله علیه - در بحوث فی علم الأصول، جلد دوم، صفحه ۴۸ در واقع یک گزارشی از نتایج حاصل در بحث حروف و هیئات داده است که با آنچه در بحوث، جلد اول، در بحث حروف و هیئات آمده است، سازگار نیست. این چیزی را که ایشان اینجا گفته است، ما قبلاً گفتیم و پذیرفتیم و ایشان قبلاً گفته بودند و نپذیرفته بودند. علت این تنافی به فرایند تدوین تقریرات دروس خارج اصول ایشان برمی‌گردد. آقای هاشمی - حفظه الله - از اواخر بحث استصحاب از دوره اول خارج اصول آقای صدر - رضوان الله علیه - در درس ایشان شرکت کردند. دوره دوم اصول ایشان تا اوائل احتیاط ادامه پیدا کرد و ایشان دستگیر شدند و درستان تعطیل شد و در نهایت به شهادت رسیدند و دوره دوم اصول ایشان تکمیل نشد. به همین دلیل اولین کتابی را که آقای هاشمی منتشر کرد و در زمان حیات شهید صدر هم منتشر شد، درباره مباحث پایانی علم اصول یعنی تعادل و تراجیح بود و اسم کتاب هم «بحوث فی علم الأصول» نبود، بلکه با عنوان «التعادل و التراجیح» منتشر شد و بعدها همین کتاب بعینه در مجموعه بحوث به عنوان جلد هفتم منتشر گشت. اگر به آن جلد هفتم مراجعه کنید و با شش جلد دیگر مقایسه کنید، یکی از تفاوت‌های آشکار در ادبیات نگارش آن است. جلد هفتم به لحاظ ادبیات و به لحاظ انسجام بسیار بسیار قوی‌تر از سایر مجلدات است. آقای هاشمی - حفظه الله - در هنگام تدوین جلد هفتم، آن را خدمت مرحوم آقای صدر می‌برد و ایشان یک چیزهایی اضافه و یک چیزهایی را تغییر می‌داده است. در واقع جلد هفتم با نظارت مستقیم شهید صدر - رضوان الله علیه - نوشته شد و تقریباً بیش از آنکه قلم آقای هاشمی - حفظه الله - باشد، قلم استاد ایشان است. در واقع مرحوم آقای صدر تمام مطالب را بازنویسی کردند. جلد اول هم طی همین فرایند تدوین شد. بنابراین برخی از مطالبی را که در جلد اول است، شهید صدر نه در دوره اول اصولش گفته است و نه در دوره دوم و فقط در متن تقریرات آقای هاشمی - حفظه الله - آمده است. این مطالبی که شهید صدر در بحوث، جلد دوم، صفحه ۴۸ از ایشان نقل شده است، درس شهید صدر - رضوان الله علیه - بوده است. آن مطالبی که در بحوث جلد اول آمده در بحث هیئات و حروف آمده مطالبی است که ایشان در تقریرات آقای هاشمی - حفظه الله - اضافه کرده است. بنابراین درست همان چیزی است که در جلد اول آمده است و آخرین آراء شهید صدر است.
- . بحوث فی علم الأصول، ج ۲، ص ۴۷.
- . این تعبیر از امام خمینی - رضوان الله علیه - است. (مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۱، ص ۲۴۳)
- . موسوی الخمینی، روح الله، مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۱، ص ۲۴۴ - ۲۴۵، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ ق.